

## Structural Analysis of the Verses of Wilayah in the Holy Qur'an, with Emphasis on Verse 55 of Surah Al-Ma'idah

Kavous Rouhi Barandegh <sup>1</sup>ID, Maryam Bagheri-Nejad Salehi <sup>2</sup>ID

1. Associate Professor, Tarbiat Modares University, Department of Quran and Hadith Studies (Corresponding Author), Tehran, Iran. Email: [k.roohi@modares.ac.ir](mailto:k.roohi@modares.ac.ir)

2. M.A. Student in Quran and Hadith Studies, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: [maryam\\_bagheri@modares.ac.ir](mailto:maryam_bagheri@modares.ac.ir)

Research Article



### Detailed Abstract

Wilayah (guardianship/authority) is one of the key and complex concepts in the Qur'an, with various interpretations provided in different exegetical sources. In particular, regarding verse 55 of Surah Al-Ma'idah, there is considerable disagreement between Shia and Sunni scholars concerning the meaning of the term "Wali". Shia exegetes interpret Wali in this verse as "the one most entitled to authority," deriving from it the direct guardianship of Imam Ali (PBUH). In contrast, Sunni exegetes understand Wali as indicating support and affection, emphasizing the necessity of support and love for all believers. This study employs a descriptive-analytical and critical approach, based on the methodology of Qur'an-to-Qur'an interpretation, with a focus on structural analysis of verses related to Wilayah. By examining 112 Qur'anic verses concerning Wilayah, with particular attention to verse 55 of Surah Al-Ma'idah, the research aims to extract the precise meaning of "Wali" using both structural analysis and the comparison of various tafsirs. The findings indicate that, in the Qur'an, there are seven structural categories for verses on Wilayah:

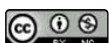
**Restrictive Structure (Hassr):** 28 verses. Most interpretations (22 verses) indicate "the one most entitled to authority," while others suggest "administrator," "support," "affection," "close relation," or "ally." Conclusion: In this structure, Wali predominantly means "the one most entitled to authority."

**Additive Structure (Idafa):** 45 verses. Meanings include "the one most entitled to authority" (29 verses), "administrator" (33), "support" (35), "affection" (4), and other interpretations (17) such as "master," "heir," "follower," "patron," "sovereign," etc. Conclusion: This structure emphasizes "the one most entitled to authority," except in cases where contextually it implies support or affection.

Received: 2024-09-01 | Received in revised form: 2025-01-20 | Accepted: 2025-01-21 | Published online: 2025-10-23

◆ How to cite: Rouhi Brandagh, K. and b, M. (2025). Structural Analysis of the Verses of Wilayah in the Holy Qur'an, with Emphasis on Verse 55 of Surah Al-Ma'idah. *Stylistics Studies of the Holy Quran*, 9(2), 56-101. doi: 10.22034/sshq.2025.476054.1488

©2025. Article type: Research Article Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



**Taking Wali Structure (Ittikhadh Wali):** 22 verses. Interpretations include “the one most entitled to authority” (16), “administrator” (11), “support” (18), “affection” (4), and “obedience/following” (2). Conclusion: This structure refers to guardianship and authority over affairs.

**Tawalli Structure:** 12 verses. Interpretations include “the one most entitled to authority” (7), “administrator” (4), “support” (10), “affection” (2), and allied concepts such as “alliance,” “following,” or “disavowal” (4). Conclusion: In this structure, Wali means “the one most entitled to authority” and “administrator”, highlighting that enemies of God cannot assume guardianship over believers.

**Tawliyah Structure:** 2 verses. Interpretations include “administrator” (2), “support” (2), and associated meanings such as “entrusting” (2). Conclusion: Wali signifies administrative authority and dominance over others.

**Priority Structure (Awlawiyyah):** 6 verses. Interpretations include “the one most entitled to authority” (2), “more deserving” (2), “entitled to inheritance” (1), “closeness” (1), and “specific inheritance priority” (1). Conclusion: Awla in this context refers to “the one most entitled to authority,” distinct from “administrator.”

**Some Are Guardians of Others (Ba’dahum Awliya’ Ba’d):** 5 verses. Interpretations include “the one most entitled to authority” (1), “administrator” (3), “support” (5), “affection” (2), and other concepts such as inheritance guardianship, guardianship in inheritance, closeness, and obedience (4). Conclusion: Unlike other structures, this category emphasizes support and affection.

### Conclusion

The study of the structural patterns of Wilayah verses in the Qur’an, with a particular focus on verse 55 of Surah Al-Ma’idah, shows that in most of the seven structural categories, except for Ba’dahum Awliya’ Ba’d, Wali primarily means “the one most entitled to authority”. The meanings of support and affection appear only in specific contexts with clear indicators. Based on detailed structural analysis and exegetical review, the meaning of Wali in verse 55 of Surah Al-Ma’idah is “the one most entitled to authority”, not support or affection.

**Keywords:** Qur’anic Wilayah Verses, Structural Analysis, Support, Affection, Entitlement to Authority

## ساختارشناسی آیات ولایت در قرآن کریم، با تأکید بر آیه ۵۵ سوره مائده

کاوس روحی برندق<sup>۱</sup> (id)، مریم باقری نژاد صالحی<sup>۲</sup> (id)

۱. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، گروه علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)، تهران، ایران.

پست الکترونیکی: [k.roohi@modares.ac.ir](mailto:k.roohi@modares.ac.ir)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

پست الکترونیکی: [maryam\\_bagheri@modares.ac.ir](mailto:maryam_bagheri@modares.ac.ir)

### چکیده

ولایت یکی از مفاهیم کلیدی و پیچیده در قرآن کریم است که در تفاسیر مختلف، معانی متفاوتی برای آن ذکر شده است؛ به ویژه در آیه ۵۵ سوره مائده، اختلاف نظرهای فراوانی بین مفسران شیعه و اهل سنت درباره معنای «ولی» وجود دارد. مفسران شیعه ولایت در این آیه را به معنای اولی به تصرف تفسیر و ولایت بلافصل علی (ع) را از آن استنباط کرده‌اند و در مقابل، مفسران اهل سنت ولایت در این آیه را به معنای ولایت نصرت و محبت معنا کرده و لزوم نصرت و محبت به همه مؤمنان را از آن برداشت کرده‌اند. این جستار با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی و انتقادی مبتنی بر روش تفسیر قرآن به قرآن و با تمرکز بر ساختارشناسی آیات ولایت و با بررسی ۱۱۲ آیه مرتبط با ولایت در قرآن و با تمرکز ویژه بر آیه ۵۵ سوره مائده، تلاش کرده است تا معنای دقیق «ولی» را با استفاده از ساختارشناسی آیات و تحلیل تفاسیر مختلف استخراج کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در کل قرآن، ۷ ساختار (۱. حصر، ۲. اضافه، ۳. اتخاذ ولی، ۴. تولی، ۵. تولیه، ۶. اولویت، ۷. بعضهم اولیاء بعض) برای آیات ولایت وجود دارد و در تمام این ساختارها، «ولی» به معنای «اولی به تصرف» به کار رفته است جز در ساختار «بعضهم اولیاء بعض» که «ولی» به معنای «نصرت» و «محبت» آمده است؛ بنابراین، در آیه ۵۵ سوره مائده که جزو ساختار اضافه است نیز «ولی» به معنای «اولی به تصرف» است و نه نصرت و محبت.

**کلیدواژه‌ها:** آیات ولایت، اولی به تصرف، ساختارشناسی، نصرت، محبت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

◆ استناد به این مقاله: روحی برندق، کاوس و باقری نژاد صالحی، مریم. (۱۴۰۴). ساختارشناسی آیات ولایت در قرآن کریم، با تأکید بر آیه ۵۵ سوره مائده. *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*، ۹ (شماره ۲)، ۵۶-۱۰۱. doi: 10.22034/sshq.2025.476054.1488

## ۱. بیان مسئله

پاره‌ای از آیات قرآن در میان آیات دیگر، از نوعی پیچیدگی (لغوی، ادبی، فقهی، کلامی و...) برخوردار است که آیات مشکل نامیده می‌شوند. پاره‌ای از شاخص‌ترین آیات مشکل، آیات مربوط به امامت و ولایت است که بیشترین بحث‌های بین‌المذهبی را در تفاسیر قرآن به خود اختصاص داده‌اند و اوج این اختلاف‌نظرها میان مفسران شیعه و اهل تسنن در آیه ولایت (مانده: ۵۵) تجلی یافته است. مفسران شیعه معتقدند که «ولی» در این آیه به معنای «اولی به تصرف» است؛ در حالی که مفسران اهل تسنن این واژه را به معنای «نصرت» و «محبت» تفسیر می‌کنند. (طبری، ۱۸۶/۶).<sup>۱</sup> این پژوهش با استقصای جامع آیات مرتبط با مفهوم «ولایت» در قرآن و تحلیل ساختارهای معنایی متنوع آن، در پی تعیین دلالت دقیق این واژه در آیه مورد بررسی است. هدف این مطالعه، واکاوی عمیق مفهوم «ولایت» با تکیه بر شواهد قرآنی و تفسیری است تا روشن سازد که آیا این اصطلاح در آیه مذکور به معنای «اولویت در تصرف» به کار رفته است یا معنای دیگری نظیر «نصرت» و «محبت» را افاده می‌کند.

واژه ولی از واژگان مهم و چندمعنایی قرآن کریم است که در آیات متعددی با معانی و کاربردهای مختلف به کار رفته است. بسامد این آیات در قرآن کریم، عبارت از ۱۱۲ آیه است که در ماده «و ل ی» ضمن مشتقات فراوان (اولی، اولیاء، موالی، مولی، مولی، والی، ولایه، ولی، تولی، نولی) در قرآن، آمده است. مفسران در تفسیر این آیات، دیدگاه‌های گوناگونی دارند. این پژوهش تمامی آیات مرتبط با «ولایت» را از منظر تفاسیر برجسته قرآن از هر دو مکتب شیعه و اهل سنت، با رویکرد ساختارشناسی جملات قرآنی و روش تفسیر قرآن به قرآن، مورد بررسی قرار می‌دهد. انتخاب این تفاسیر از آن رو است که از نظر محتوایی، تقریباً، تمامی ابعاد تفسیری را پوشش داده و از معتبرترین و تحلیلی‌ترین منابع در حوزه علوم تفسیری به‌شمار می‌روند.

روش مورد استفاده در این مقاله، تحلیل قرآن به قرآن با رویکرد ساختارشناسی است. براین اساس، روش این پژوهش از جهت گردآوری داده‌ها، شیوه کتابخانه‌ای و از جهت تجزیه و تحلیل، توصیفی-تحلیلی و انتقادی مبتنی بر روش تفسیر قرآن به قرآن و با تمرکز بر ساختارشناسی آیات ولایت است.

از لحاظ پیشینه پژوهش، در رابطه با مسئله ولایت در قرآن، از جمله آیات ولایت، مباحث گوناگون در لابه‌لای کتاب‌های تفسیر قرآن و کتب کلامی و تکنگاشته‌های فراوان موجود است و مقالات متعددی نیز در این زمینه نگاشته شده است. از جمله تعداد ۴۵ مقاله در رابطه با این موضوع با جستجو در سایت نورمگز یافت شد؛ ولی این مقالات آیات ولایت را از

۱) رازی، ۳۸۳/۱۲؛ بیضوی، ۱۳۲/۲؛ ابن عاشور، ۱۳۸/۵؛ رشید رضا، ۳۶۵/۶؛ طباطبایی، ۵۵/۶؛ مراغی، ۱۴۳/۶؛ جوادی آملی، ۳۳/۲۳؛ فضل‌الله، ۲۲۷/۸.

جهت کلامی یا تفسیری مورد بررسی قرار داده‌اند.

مرتبط‌ترین این پژوهش‌ها عبارت‌اند از: ۱) «بررسی تطبیقی آیه ولایت در تفاسیر فریقین»، نوشته ابراهیم کلانتری و محمدرضا عبدالله پور (فصلنامه علمی پژوهشی فصلنامه تفسیری، سال هفتم، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۲۶، صفحات، ۷ تا ۳۲. ۲)؛ «ولایت حضرت علی در آیه ولایت» از سید کریم حسینی (علوم قرآن و حدیث، اندیشه‌هایی قرآنی، بهار و تابستان ۱۳۹۳ شماره ۱۱، ص ۱۰۵ تا ۱۲۴. ۳)؛ «منازعات ادبی محقق طوسی و فاضل قوشچی در ذیل آیه ولایت» نوشته عسکر عظیمی (فلسفه و کلام، نشریه کوثر معارف، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۱۹، ص ۷۷ تا ۱۰۲. ۴)؛ «بازکاوی مفهوم ولایت در سیاق آیه ۵۵ سوره مائده با تأکید بر پیوستگی آیات» نوشته فرهاد احمدی آشتیانی (علوم قرآن و حدیث، نشریه پژوهش‌های قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، سال ۵۲، شماره ۲، ص ۲۰۳ تا ۲۲۱. ۵)؛ «واکاوی تفسیری آیه ولایت از منظر فریقین» نوشته ابراهیم ابراهیمی، محمد تیموری و اصغر طهماسبی بلداجی (ادیان، مذاهب و عرفان، نشریه پژوهش‌نامه امامیه، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۵، ص ۵۷۷ تا ۸۰. ۶) و «چندمعنایی واژه‌های ولی و مولی در قرآن» نوشته امیر ذوقی (علوم قرآن و حدیث، نشریه مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره ۶۷، ص ۲۲۷ تا ۲۵۰).

همچنین با جستجوی واژه‌های ولایت، ولی و مولی در سایت نورمگز، ۳۱ مقاله یافت می‌شود که اکثر آنها درباره آیه ولایت (آیه ۵۵ سوره مائده) است که مرتبط‌ترین مقاله با این پژوهش مقاله «تبیین معنای ولی در پرتو آیات ولایت» از اصغر غلامی، رضابرنجکار (فصلنامه علمی-پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال هشتم، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۳۰، ص ۶۸-۵۱) است، اما در هیچ‌کدام از مقالات به مسئله ساختارشناسی آیات ولایت در قلمرو گستره کل قرآن و تفاسیر فریقین پرداخته نشده است.

## ۲. مفهوم ولایت در لغت و قرآن

مفهوم ولایت در لغت: به عقیده فراهیدی، واژه «ولی» در زبان عربی، به مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط با سرپرستی، مسئولیت و تعلق اشاره دارد. «ولایه» به معنای سرپرستی و تدبیر امور دیگران است و از مصدر «موالات» (یاری و دوستی) و «والی» (حاکم) مشتق شده است. واژه «ولاء» نمایانگر رابطه معنوی و اجتماعی میان افراد است که به ارتباط پیوسته و نزدیکی میان آن‌ها دلالت دارد. در این زمینه، «الموالی» به معنای «پسرعموها» و به ویژه اشاره به کسانی از اهل بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) است که صدقه بر آن‌ها حرام است. «المولی» به معنای آزادشده، هم‌پیمان و ولی است که در آن، نعمت‌ها به او تعلق دارد و به نوعی نشان‌دهنده رابطه‌ای است که فرد در آن از مسئولیت و اختیار بهره‌مند می‌شود؛ همچنین، «الموالاة» به معنای پذیرش ولایت و مسئولیت است که به پیوندی ادامه‌دار با دیگران اشاره

دارد. عبارت «استولی» نیز به معنای تصرف و تسلط بر چیزی است و همچنین به معنای رسیدن به هدف یا مقصود مورد نظر نیز به کار می‌رود. (فراهیدی، ۳۶۵/۸) این معانی در مجموع، نشان‌دهنده پیوند عمیق و رابطه متقابل ولی با موضوعات مختلفی چون مسئولیت، اختیار و تصرف است.

از نظر ابن درید، واژه «ولی» به معنای پیوند و نزدیکی میان دو چیز است که در واژه‌های «موالات» و «ولاء» به کار می‌رود. «الولاء» به معنای ارتباط و نزدیکی میان دو مولی است که هر یک از این دو در پیوندی معنوی و اجتماعی با یکدیگر قرار دارند. «الولایه» نیز به معنای امارت و حکمرانی است که به سرپرستی و مدیریت امور دیگران اشاره دارد. (ابن درید، ۱۹۸۷: ۲۴۶/۱)

از سوی دیگر، ابن فارس بر این باور است که واژه «ولی» از ترکیب حروف «واو»، «لام» و «یا» یک اصل صحیح دارد که بر نزدیکی دلالت می‌کند. در این راستا، «الولی» به معنای نزدیکی است که کاربردهای متفاوتی دارد. «المولی» از این ریشه معانی متعددی می‌گیرد؛ از جمله آزادکننده، برده آزادشده، دوست، هم‌پیمان، پسرعمو، یاری‌دهنده و همسایه. تمامی این معانی از واژه «الولی» که به معنای نزدیکی است، مشتق شده‌اند. در این چارچوب، هر کسی که مسئولیت یا تدبیر امور دیگری را بر عهده بگیرد، با عنوان «ولی» شناخته می‌شود؛ همچنین، عبارت «أولی» به معنای شایستگی و مناسب بودن فرد برای انجام کاری است. واژه «الولاء» در این زمینه به معنای پیوند و هم‌پیمانی است؛ علاوه بر این، «الولاء» در برخی موارد به معنای ولایت معتق نیز به کار می‌رود؛ به این معنا که ولایت فرد آزادشده به آزادکننده‌اش تعلق دارد و در صورتی که آزادکننده وارث نسبی نداشته باشد، او در ارث از دیگران به آزادکننده خود نزدیک‌تر است. (ابن فارس، ۱۳۲۸: ۱۴۱/۶)

**مفهوم ولایت در اصطلاح قرآن:** راغب اصفهانی نیز حقیقت واژه «ولی» را به معنای تولی امر و سرپرستی می‌داند و بر این باور است که وقتی خداوند ولی مؤمنان است، به معنای سرپرستی و هدایت آن‌ها است (راغب اصفهانی، ۵۳۳/۱). در همین راستا، مصطفوی به تحلیل مصادیق مختلف «ولایت» پرداخته و می‌نویسد که یکی از این مصادیق تدبیر امور دیگران و مدیریت زندگی و معیشت آن‌ها است. او توضیح می‌دهد که ولی به معنای شخصی است که از ولایت و تدبیر برخوردار است و متولی کسی است که این ولایت را به ولی واگذار کرده یا انتخاب می‌کند (مصطفوی، ۲۲۵/۱۳)؛ همچنین، «تولیه» به معنای قرار دادن شخصی به عنوان ولی و مدبر امور است؛ به گونه‌ای که او مسئولیت تدبیر امور دیگری را بر عهده گیرد (همان، ۲۲۶-۲۲۸) و حسن جبل نیز «ولی» را به معنای تسلط بر امور و پرداختن به آن معنی کرده است (حسن جبل، ۱۴۳۶). اما علامه طباطبایی در تفسیر آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا»، به بررسی مفهوم «ولایت» پرداخته و بیان می‌کند که «ولایت» در اصل به معنای نزدیکی و پیوندی است که نخست، برای اجسام و مکان‌ها

به کار می‌رفته و سپس به مفاهیم معنوی تعمیم یافته است؛ به این ترتیب، نزدیکی خاص در امور معنوی به این معناست که ولی، حق تصرف و مدیریت در امور مولی را دارد و هرگونه دخالت یا تصرف در امور مولی باید از طریق ولی صورت گیرد؛ در همین راستا، علامه طباطبایی نتیجه می‌گیرد که «فالمحصل من معنی الولاية فی موارد استعمالها هو نحو من القرب یوجب نوعاً من حق التصرف و مالکیه»؛ یعنی خلاصه مفهوم ولایت در موارد استعمال آن، نوعی نزدیکی است که موجب حقی از تصرف و مالکیت می‌شود. علامه طباطبایی این مفهوم را به دو نوع «ولایت تکوینی» و «ولایت تشریحی» تقسیم می‌کند. ولایت تکوینی به قدرت خداوند بر تدبیر و تصرف در تمامی امور هستی اشاره دارد؛ در حالی که ولایت تشریحی به معنای هدایت، قانون‌گذاری و مدیریت خداوند، پیامبر و مؤمنان در امور دینی انسان‌ها، است. (طباطبایی: ۱۱/۶-۱۶). علامه طباطبایی در این زمینه، همچنین بیان می‌دارد: «و الحق و الله اعلم ان الولاية بمعنی مالکیه التدبیر و هو المعنی الساری فی جمیع اشتقاقاتها»؛ به این معنی است که درحقیقت، ولایت به معنای مالکیت در تدبیر است و این معنا در تمام موارد استعمال این واژه جریان دارد. این توضیحات نشان می‌دهد که مفهوم لغوی «ولایت» همواره با مالکیت در تدبیر و مدیریت امور همراه است و این ویژگی در تمامی اشتقاقات این واژه جریان دارد؛ در نتیجه، می‌توان استنباط کرد که واژه «ولی» به معنای کسی است که در تصرف و تدبیر امور، اولویت و مالکیت دارد. (طباطبایی: ۳۱۷/۱۳)

### ۳. نگاه تطبیقی انتقادی به استدلال‌های متقابل مفسران اهل تسنن و شیعه درباره معنای ولایت در آیه ۵۵ سوره مائده

معنای واژه «ولی» در آیه ۵۵ سوره مائده، از منظر دو مکتب فکری شیعه و اهل سنت، به‌طور متفاوتی تفسیر شده است. مفسران شیعه معتقداند که «ولی» به معنای «اولی» به تصرف است؛ در حالی که مفسران آن را به معنای «دوستی» و «نصرت» می‌دانند.

مفسران اهل سنت، از جمله زمخشری، فخر رازی، بیضاوی و ابن عاشور، باتوجه به سیاق آیات قبل و بعد از آیه ۵۵ سوره مائده، به این نتیجه رسیده‌اند که واژه «ولی» در این آیه به معنای نصرت و دوستی است. آنها بر این باورند که در آیات ۵۱ و ۵۷ سوره مائده، خداوند مؤمنان را از دوستی با اهل کتاب و کفار منع می‌کند و به همین دلیل، آیه ۵۵ تأکیدی بر این نکته است که تنها خداوند، رسول او و مؤمنان شایسته دوستی و نصرت می‌باشند (زمخشری: ۱/۶۴۸). یکی دیگر از استدلال‌های اهل سنت برای تفسیر «ولی» به معنای نصرت، مقایسه آن با آیه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه: ۷۱) است. آنان معتقدند که در آیه ۵۵ سوره مائده نیز باتوجه به کاربرد واژه «إنما» که دلالت بر حصر دارد، «ولی» به معنای دوستی میان مؤمنان است؛ همانند آنچه در آیه ۷۱ سوره توبه آمده است (ابن

(۱) رازی: ۳۸۲/۱۲؛ بیضاوی: ۱۳۲/۲؛ ابن عاشور: ۱۳۷/۵.

عاشور: ۱۳۸/۵). اهل سنت همچنین بر این باورند که کاربرد «إنما» در آیه، حصر کامل را نشان نمی‌دهد؛ برای مثال، در آیه «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنزِلَتْهُ مِنَ السَّمَاءِ» (یونس: ۲۴)، معنای آیه این نیست که زندگی دنیا تنها یک مثل دارد و مثال‌های دیگری برای آن وجود ندارد؛ همچنین در آیه «إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ» (محمد: ۳۶)، بازی و تفریح تنها مختص به زندگی دنیا نیست. (رازی: ۳۸۶/۱۲)

اما مفسران شیعه برای تفسیر واژه «ولی» به معنای «اولی به تصرف» در آیه ۵۵ سوره مائده، دلایلی ارائه کرده و نقدهایی به دیدگاه مفسران اهل سنت وارد نموده‌اند. یکی از دلایل مفسران شیعه استناد به معنای لغوی واژه «ولی» است. آن‌ها با تکیه بر شواهد شعری و نظرات نحویان، «ولی» را به معنای «اولی» و «احق» می‌دانند (سید مرتضی، ۲/ ۲۱۹ و ۲۱۸؛ طوسی: ۵۶۰/۳). دلیل دیگر مفسران شیعه به روایات مربوط به شأن نزول این آیه بازمی‌گردد. این روایات اکثراً بیان می‌کند که آیه مذکور در شأن حضرت علی (ع) نازل شده است (سید مرتضی، ۲/ ۲۱۸؛ طوسی: ۵۵۹/۳؛ طبرسی: ۳/ ۳۲۷). علاوه بر این، مفسران شیعه به کاربرد واژه «إنما» که دلالت بر حصر دارد، اشاره می‌کنند. آن‌ها استدلال می‌کنند که این واژه معنای تخصیص و نفی حکم از غیر مورد ذکر شده را می‌رساند؛ مشابه با جمله «إِنَّمَا الْفِصْحَةُ لِلْجَاهِلِيَّةِ» که به معنای نفی فصاحت از غیر آنان است. اگر این تفسیر پذیرفته شود، نمی‌توان «ولی» را به معنای محبت و دوستی در دین تعبیر کرد؛ زیرا این معنا به‌طور عمومی برای تمامی مؤمنان است و به شخص خاصی اختصاص ندارد (سید مرتضی، ۲/ ۲۲۰؛ طبرسی: ۳/ ۳۲۷) و بر این اساس، تفسیر «إنما» به غیر حصر موجه نخواهد بود. مفسران شیعه همچنین به ساختار آیه اشاره کرده و استدلال می‌کنند که واژه «ولی» در این آیه معنای خاصی دارد. خداوند نخست می‌فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» که شامل همه مؤمنان است؛ سپس «وَرَسُولُهُ» را اضافه می‌کند و پیامبر (ص) را از میان آن‌ها مشخص می‌کند. سپس می‌گوید «وَالَّذِينَ آمَنُوا» که بر این اساس، کسی که مورد خطاب است، باید شخصی غیر از کسانی باشد که ولایت به آنان تعلق گرفته است؛ در غیر این صورت، به آن معنای است که مضاف همان مضاف‌الیه است که این امکان‌پذیر نیست (سید مرتضی، ۲/ ۲۲۸؛ طوسی: ۵۶۰/۳؛ طبرسی: ۳/ ۳۲۷).

اما در پاسخ به دیدگاه مفسران اهل سنت که واژه «ولی» را به معنای نصرت در نظر می‌گیرند، علامه طباطبایی این نظریه را رد کرده است. او با بررسی دقیق آیات پیش و پس از آیه ۵۵ سوره مائده و همچنین بررسی کلی این سوره، به این نتیجه می‌رسد که این تفسیر نادرست است. طباطبایی استدلال می‌کند که تمام آیات این سوره به یکباره نازل نشده‌اند و نمی‌توان وحدت سیاق میان آن‌ها را به‌طور کامل پذیرفت (طباطبایی: ۶/۶). دلیل دیگر طباطبایی برای رد این نظریه، تفاوت آشکار در مضمون آیات قبل و بعد از آیه ۵۵ است. او بیان می‌کند که در آیات قبل، مؤمنان از ولایت کفار منع می‌شوند و منافقان به‌خاطر حمایت از کفار سرزنش می‌شوند. اما در آیات پس از آن، دستور داده می‌شود که پیامبر (ص) این

موضوع را به اطلاع کفار برساند و اعمال زشت آنان را گوشزد کند. این تفاوت در مضامین، نشان می‌دهد که وحدت سیاق بین این آیات وجود ندارد. (طباطبایی: ۶/۶)

علاوه بر این، طباطبایی توضیح می‌دهد که واژه «ولایت» در این آیات، نمی‌تواند به معنای نصرت باشد؛ زیرا با سیاق و خصوصیات این آیات سازگار نیست. او استدلال می‌کند که ولایت به معنای نصرت، قراردادی بین دو گروه است که سبب نمی‌شود یکی به دیگری ملحق شود یا خصوصیات خود را تغییر دهد (طباطبایی: ۷/۶-۶). در نهایت، طباطبایی نتیجه می‌گیرد که صحیح نیست بگوییم رسول خدا (ولی، به معنای یاور مؤمنان است؛ زیرا این مفهوم نمی‌تواند به درستی در این زمینه به کار رود (طباطبایی: ۷/۶). اهل سنت در رد استدلال، می‌گویند، اگرچه «ولایت» در آیه ۵۵ به معنای نصرت است، این نصرت به معنای عمومی برای تمامی مؤمنان نیست، بلکه خداوند در این آیه، مؤمنان را به دو گروه تقسیم می‌کند: گروهی که ولایت دارند و جزو «وَلِیُّکُمْ» هستند و گروهی دیگر مؤمنانی که ولایت‌داران بر آنها ولایت دارند که با ویژگی‌هایی نظیر اقامه نماز و دادن زکات در حال رکوع، توصیف شده‌اند. در این زمینه، اگر «ولایت» به معنای نصرت باشد، به آن معنی است که یکی از این دو گروه، ناصر گروه قرار داده شده است؛ از این رو، نصرت یک گروه از مؤمنان به معنای نصرت تمامی مؤمنان نیست و این خصوصیت «ولایت» مانع از آن نمی‌شود که معنای نصرت در اینجا مطرح باشد (رازی: ۳۸۶/۱۲). پاسخ این سخن آن است که نصرت و یاری به گروه خاص از مؤمنان اختصاص ندارد، بلکه یاری کردن همه مؤمنان ضروری است نه فقط آنان که ویژگی‌هایی نظیر اقامه نماز و دادن زکات در حال رکوع را دارند؛ در نتیجه، تفسیر مفسران شیعه از واژه «ولی» در آیه ۵۵ سوره مائده، به معنای «اولی به تصرف» بر اساس شواهد لغوی، روایات شأن نزول و تحلیل سیاق آیات استوار است؛ در حالی که دیدگاه مفسران اهل سنت مبنی بر «نصرت» بودن آن با این شواهد همخوانی ندارد.

#### ۴- بحث و تحلیل انواع ساختارهای به کاررفته در آیات ولایت

در بررسی آیات ولایت، می‌توان هفت ساختار را شناسایی کرد: ۱. اتخاذ ولی ۲. تولی ۳. حصر ۴. اضافه ۵. تولی ۶. اولویت ۷. بَعْضُهُمْ اَوْلِیَاءُ بَعْضٍ. در ادامه به گردآوری و طبقه‌بندی و تحلیل هریک از این ساختارها پرداخته خواهد شد.

##### ۴-۱. ساختار حصر ولایت

**گزارش یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش در زمینه آیات مرتبط با این ساختار و دیدگاه‌های مفسران در مورد معنای ولایت در جدول شماره (۱)، ارائه شده است. گزارش گذرای آیات مرتبط با این ساختار از این قرار است که در مجموع ۲۸ آیه مربوط به این ساختار شناسایی شد و مفسران در زمینه معنای ولایت در آیات، ذیل این ساختار، معانی مختلفی را ذکر

کرده‌اند؛ از جمله «اولی به تصرف» در ۲۲ آیه، «متولی امور» در ۲۶ آیه، «نصرت» در ۲۴ آیه، «محبت» در ۱ آیه، «قریب» در ۳ آیه و «حلیف» در ۱ آیه است.<sup>۱</sup>

### جدول شماره ۱: دیدگاه مفسران در باره آیات مشتمل بر ساختار حصر

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
الَّذِينَ تَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (بقره: ۱۰۷)	طباطبایی: ۱/۲۵۲ جوادی املی: ۶/۸۰	طبری: ۱/۳۸۵ و ۳۸۴ طوسی: ۱/۴۰۰ طبرسی: ۱/۳۴۹ فضل الله: ۲/۱۶۳	مراغی: ۱/۱۸۹		
وَلَمَّا اتَّبَعْتُمْ أَهْوَاءَهُمْ نَبَذَ الَّتِي جَاءَكُمْ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (بقره: ۱۲۰)	جوادی املی: ۶/۳۷۰	طبری: ۱/۴۱۰؛ رشید رضا: ۱/۳۶۶	رازی: ۴/۲۹؛ مراغی: ۱/۲۰۴		به معنای قریب و حلیف: ابن عاشور: ۱/۶۷۶
وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَانِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا (نساء: ۴۵)	رازی: ۱۰/۹۲ جوادی املی: ۷۶ و ۷۷	طبری: ۵/۷۵؛ بیضاوی: ۲/۷۶؛ ابن عاشور: ۴/۱۴۴؛ رشید رضا: ۵/۱۱۲	طوسی: ۳/۲۱۱؛ زمخشری: ۱/۵۱۶؛ طبرسی: ۳/۸۴؛ مراغی: ۵/۵۲		
وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (نساء: ۷۵)	طوسی، ۱۴۱۲ق؛ طبرسی: ۳/۲۵۹ جوادی املی: ۳/۱۱۷ و ۱۹/۵۱۹	طبری: ۵/۱۰۶؛ زمخشری: ۱/۵۳۴؛ بیضاوی: ۲/۸۴؛ رشید رضا: ۵/۲۱۱؛ مراغی: ۵/۹۲			به معنای رسول الله: رازی: ۱۰/۱۴۲ به معنای نبی و مومنان: ابن عاشور: ۴/۱۸۸
وَلَا يَجِدُ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (نساء: ۱۲۳)	طباطبایی: ۵/۸۷ جوادی املی: ۲/۳۳۷ فضل الله: ۲۰/۵۳۳ ۷/۴۷۶	طبری: ۵/۱۹۰؛ طوسی: ۴/۳۳۷ طبرسی: ۳/۱۷۶؛ بیضاوی: ۲/۹۹؛ ابن عاشور: ۴/۲۶۲؛ رشید رضا: ۵/۳۵۵؛ مراغی: ۵/۱۶۶			
وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (نساء: ۱۷۳)	طباطبایی: ۵/۱۵۲ برمبنای احتمال دوم مراغی: ۶/۳۵ جوادی املی: ۲۱/۴۴۷	رشید رضا: ۶/۸۰؛ برمبنای احتمال اول مراغی: ۶/۳۵	ابن عاشور: ۴/۳۳۹		

۱. آیات مرتبط با مفهوم ساختار حصر عبارتند از: بقره: ۱۰۷، ۱۲۰؛ نساء: ۴۵، ۷۵، ۱۲۳، ۱۷۳؛ انعام: ۵۱، ۷۰؛ توبه: ۷۴، ۱۱۶؛ هود: ۲۰، ۱۱۳؛ رعد: ۱۱، ۳۷؛ اسراء: ۹۷، ۱۱۱؛ کهف: ۱۷، ۲۶؛ عنکبوت: ۲۲؛ سجده: ۴؛ احزاب: ۱۷، ۶۵؛ شوری: ۸، ۳۱، ۴۴، ۴۶؛ احقاف: ۳۲؛ فتح: ۲۲ و آیات مربوط به معنای «اولی به تصرف» شامل این موارد است: بقره: ۱۰۷، ۱۲۰؛ نساء: ۴۵، ۷۵، ۱۲۳، ۱۷۳؛ انعام: ۵۱؛ توبه: ۷۴، ۱۱۶؛ هود: ۲۰، ۱۱۳؛ رعد: ۱۱، ۳۷؛ اسراء: ۹۷، ۱۱۱؛ کهف: ۱۷، ۲۶؛ عنکبوت: ۲۲؛ سجده: ۴؛ احزاب: ۱۷، ۶۵؛ شوری: ۸، ۳۱، ۴۴، ۴۶؛ احقاف: ۳۲ و آیات مرتبط با معنای «متولی امور» عبارتند از: بقره: ۱۰۷، ۱۲۰؛ نساء: ۴۵، ۷۵، ۱۲۳، ۱۷۳؛ انعام: ۵۱؛ توبه: ۷۰؛ هود: ۲۰؛ رعد: ۱۱، ۳۷؛ اسراء: ۹۷، ۱۱۱؛ کهف: ۱۷، ۲۶؛ عنکبوت: ۲۲؛ سجده: ۴؛ احزاب: ۱۷، ۶۵؛ شوری: ۸، ۳۱، ۴۴، ۴۶؛ احقاف: ۳۲؛ فتح: ۲۲ و آیات مرتبط با معنای «نصرت» شامل این موارد است: بقره: ۱۰۷، ۱۲۰؛ نساء: ۴۵، ۷۵، ۱۲۳؛ انعام: ۵۱؛ توبه: ۷۰؛ هود: ۲۰؛ رعد: ۱۱، ۳۷؛ اسراء: ۹۷، ۱۱۱؛ کهف: ۱۷، ۲۶؛ عنکبوت: ۲۲؛ سجده: ۴؛ احزاب: ۱۷، ۶۵؛ شوری: ۸، ۳۱، ۴۴، ۴۶؛ احقاف: ۳۲؛ فتح: ۲۲ و تنها آیه مرتبط با معنای «محبت» در سوره توبه، آیه ۷۴ است و آیات مرتبط با معنای «قریب» عبارتند از: بقره: ۱۲۰؛ انعام: ۵۱؛ سجده: ۴ و آیه مرتبط با معنای «حلیف» نیز در بقره: ۱۲۰، ذکر شده است.

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
لَيْسَ لَهُمْ مَن دُونَهُ وَلِيٌّ وَلَا سَفِيحٌ (انعام: ۵۱)	ابن عاشور: ۶/۱۱۳ طباطبایی: ۷/۹۸ جوادی آملی: ۲۵/۲۸۴		طبری: ۷/۱۲۷ زمخشوری: ۲/۲۶ مراغی: ۷/۱۳۳		به معنای قریب رشدید رضا: ۷/۳۶۰
لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا سَفِيحٌ (انعام: ۷۰)		رازی: ۱۳/۲۵؛ بر مینای احتمال دوم رشدید رضا: ۷/۴۳۳ جوادی آملی: ۲۵/۵۳۸	طبری: ۷/۱۵۱؛ طوسی: ۴/۱۶۸؛ طبرسی: ۴/۴۹۲؛ ابن عاشور: ۶/۱۵۹؛ برمبنای احتمال اول رشدید رضا: ۷/۴۳۳ مراغی: ۷/۱۶۲ و ۱۶۱ فضل الله: ۹/۱۵۹		
وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (توبه: ۷۴)	جوادی آملی: ۳۴/۵۶۱	طبری: ۱۰/۱۲۹ ابن عاشور: ۱۰/۱۶۰ رشدید رضا: ۱۰/۴۸۰ طباطبایی: ۹/۳۴۱ مراغی: ۱۰/۱۶۷ فضل الله: ۱۱/۱۶۷		طبرسی: ۵/۸۰	
إِنَّ اللَّهَ لَهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مَن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (توبه: ۱۱۶)	طبری: ۱۱/۲۲۸ طباطبایی: ۹/۳۹۸ مراغی: ۱۱/۳۸ جوادی آملی: ۳۵/۴۱۵؛ فضل الله: ۱۱/۲۲۸	طبرسی: ۵/۱۱۷ بیضاوی: ۳/۱۰۰ رشدید رضا: ۱۱/۵۱	طوسی: ۵/۳۱۲؛ رازی: ۱۶/۱۶۱؛ ابن عاشور: ۱۰/۲۱۸		
أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مَن دُونِ اللَّهِ مِن أَوْلِيَاءٍ (هود: ۲۰)	طباطبایی: ۱۰/۱۹۰	بنابر احتمال اول رشدید رضا: ۱۲/۴۸	طبری: ۱۲/۱۵؛ طوسی: ۵/۴۶۴؛ زمخشوری: ۲/۳۸۶؛ رازی: ۱۷/۳۳۳ ابن عاشور: ۱۱/۲۳۱ برمبنای احتمال دوم رشدید رضا: ۱۲/۴۸ مراغی: ۱۲/۲۱؛ فضل الله: ۱۲/۴۶		
وَمَا لَكُمْ مَن دُونِ اللَّهِ مِن أَوْلِيَاءٍ لِّمَ لَا تُنصَرُونَ (هود: ۱۱۳)	جوادی آملی: ۳۹/۵۳۹		طبری: ۱۲/۷۵؛ طوسی: ۶/۷۸؛ زمخشوری: ۲/۴۳۴؛ طبرسی: ۵/۳۰۶؛ رازی: ۱۸/۴۰۷ بیضاوی: ۳/۱۵۱؛ ابن عاشور: ۱۱/۳۴۱؛ رشدید رضا: ۱۲/۱۴۱؛ مراغی: ۱۲/۹۳؛ فضل الله: ۱۲/۱۴۲		
فَلَا مَرَدَ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مَن دُونِهِ مِن وَالٍ (رعد: ۱۱)		طبری: ۱۳/۸۱ طوسی: ۶/۲۲۸ زمخشوری: ۲/۵۱۷ طبرسی: ۶/۴۳۲ بیضاوی: ۳/۱۸۳ عاشور: ۱۲/۱۵۴ مراغی: ۱۳/۷۹ جوادی آملی: ۴۲/۱۷۵ و ۱۷۴؛ فضل الله: ۱۳/۲۸	رازی: ۱۹/۱۹		

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ (رعد: ۳۷)	جوادی املی: ۴۳/۶۰	طباطبایی: ۱۱/۳۷۴	طبری: ۱۳/۱۱۰؛ طوسی: ۶/۲۶۲؛ زمخشوری: ۲/۵۳۳؛ طبرسی، ۶/۴۵۶؛ بیضاوی: ۳/۱۹۰؛ این عاشور: ۱۲/۲۰۰؛ مراغی: ۱۳/۱۱۳؛ فضل الله: ۱۳/۶۵		
وَمَنْ يُضِلَّلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ (اسراء: ۹۷)	جوادی املی: ۵۰/۴۴۲	برمینای احتمال اول طوسی: ۶/۵۲۳؛ برمینای احتمال دوم این عاشور: ۱۴/۱۷۰	طبری: ۱۵/۱۱۲؛ برمینای احتمال دوم طوسی: ۶/۵۲۳؛ زمخشوری: ۲/۶۹۵؛ طبرسی: ۶/۶۸۲؛ برمینای احتمال اول این عاشور: ۱۴/۱۷۰؛ مراغی: ۱۵/۹۸		
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ (اسراء: ۱۱۱)	جوادی املی: ۵/۶۱۳	رازی: ۲۱/۴۲۰	طبری: ۱۵/۱۲۶؛ طوسی: ۶/۵۳۴؛ زمخشوری: ۲/۷۰۱؛ طبرسی: ۶/۶۸۹؛ بیضاوی: ۳/۲۷۰؛ سمین حلبی: ۷/۴۳۱؛ این عاشور: ۱۴/۱۸۸ و ۱۴/۱۸۷؛ مراغی: ۱۵/۱۱۱		
وَمَنْ يُضِلَّلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْسِدًا (کهف: ۱۷)	جوادی املی: ۵۱/۲۳۹	زمخشوری: ۲/۷۰۸؛ بیضاوی: ۳/۲۷۵	طبری: ۱۵/۱۴۱؛ طوسی: ۷/۲۱؛ مراغی: ۱۵/۱۲۸؛ فضل الله: ۱۴/۲۹۱		
مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا (کهف: ۲۶)	طباطبایی: ۱۳/۲۷۷؛ جوادی املی: ۵۱/۴۲۴؛ فضل الله: ۱۴/۳۰۸	طبری: ۱۵/۱۵۴؛ زمخشوری، ۱۴۰۷؛ رازی: ۲/۷۱۶؛ بیضاوی: ۳/۴۵۳؛ این: عاشور: ۱۵/۵۲؛ مراغی: ۱۵/۱۳۹	طوسی: ۷/۳۳؛ طبرسی: ۶/۷۱۵		
وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (عنکبوت: ۲۲)	جوادی املی: ۶۳/۵۹۲	طبری: ۲۰/۹۰؛ رازی: ۲۵/۴۳؛ بیضاوی: ۴/۱۹۲؛ طباطبایی: ۱۶/۱۱۸؛ مراغی: ۲۰/۱۲۸؛ فضل الله: ۱۸/۳۵	طوسی: ۸/۱۹۹ و ۸/۱۹۸؛ طبرسی: ۸/۴۳۸؛ این عاشور: ۲۰/۱۵۶		
مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (سجده: ۴)	طباطبایی: ۱۶/۲۴۵؛ جوادی املی: ۶۵/۳۱۹	طبری: ۲۱/۵۷؛ برمینای احتمال دوم زمخشوری: ۳/۵۰۷؛ برمینای احتمال دوم بیضاوی: ۴/۲۱۹؛ مراغی: ۲۱/۱۰۴؛ فضل الله: ۱۸/۲۲۳	طوسی: ۸/۲۹۴؛ زمخشوری: ۲/۵۰۷؛ رازی: ۲۵/۱۳۹؛ برمینای احتمال اول بیضاوی: ۴/۲۱۹؛ این عاشور: ۲۱/۱۴۶	معنای قریب: طبرسی: ۸/۵۱۰	

معانی دیگر	محبت	نصرت	متولی امور	اولی به تصرف	آیه
		طوسی: ۸/۳۲۵؛ رازی: ۲۵/۱۶۲	طبری: ۲۱/۸۸ طبرسی: ۸/۵۴۶ بیضاوی: ۴/۲۲۷؛ ابن عاشور: ۲۱/۲۱۵ مراغی: ۲۱/۱۴۳		وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مَن دُونَ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (احزاب: ۱۷)
		طوسی: ۸/۳۶۳ طبرسی: ۸/۵۸۲ رازی: ۲۵/۱۸۵؛ مراغی: ۲۲/۴۱	طبری: ۱۴/۲۴۸ طباطبایی: ۱۶/۳۴۶	جوادی املی، احزاب: ۱۷	لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (احزاب: ۶۵)
		ابن عاشور: ۲۵/۱۰۹	طبری: ۲۵/۸؛ طوسی: ۹/۱۴۶ فضل الله: ۹/۳۴ ۱۴۹/۲۰۱۴۸		وَالَّذِينَ مَنَّا لَهُمْ مَن وَلِيٌّ وَلَا نَصِيرٌ (شوری: ۸)
			طوسی: ۹/۱۶۵ زمخشری: ۴/۲۲۶ رازی: ۲۷/۶۰۱ بیضاوی: ۵/۸۲؛ ابن عاشور: ۲۵/۱۶۴ طباطبایی: ۱۸/۶۰ مراغی: ۲۵/۴۹	جوادی املی، شوری: ۳۱؛ فضل الله: ۲۰/۱۸۵	وَمَا لَكُمْ مَن دُونَ اللَّهِ مَن وَلِيٌّ وَلَا نَصِيرٌ (شوری: ۳۱)
		طوسی: ۹/۱۷۱ زمخشری: ۴/۲۳۱ طبرسی: ۹/۵۳؛ رازی: ۲۷/۶۰۸ فضل الله: ۲۰/۱۹۷	طبری: ۲۵/۲۵ طباطبایی: ۱۸/۶۶ مراغی: ۲۵/۵۸	ابن عاشور: ۲۵/۱۸۱؛ جوادی املی، شوری: ۴۴	وَمَن يُضِلَّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مَن وَلِيٌّ مِّنْ بَعْدِهِ (شوری: ۴۴)
		ابن عاشور: ۲۵/۱۸۶ مراغی: ۲۵/۵۹؛ فضل الله: ۱۹۹/۲۰ و ۱۹۸	طبری: ۲۵/۲۶ طوسی: ۹/۱۷۳ طبرسی: ۲۷/۶۰۸؛ رازی: ۲۷/۶۰۸ طباطبایی: ۱۸/۲۸۷ مراغی: ۲۶/۱۰۶ جوادی املی، فتح: ۲۲	جوادی املی، شوری: ۴۶	وَمَا كَانَ لَهُمْ مَن أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِّنْ دُونَ اللَّهِ (شوری: ۴۶)
		طبری: ۲۶/۲۳؛ طوسی: ۹/۲۸۶ طبرسی: ۲۸/۲۹؛ رازی: ۹/۱۴۲ ابن عاشور: ۲۶/۵۲ طباطبایی: ۱۸/۲۱۷ مراغی: ۲۶/۳۷؛ فضل الله: ۲۱/۴۰		جوادی املی، احقاف: ۳۲	وَلَيْسَ لَهُ مَن دُونَهُ أَوْلِيَاءَ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (احقاف: ۳۲)
		طبری: ۲۶/۵۸؛ طوسی: ۹/۳۳۱ طبرسی: ۲۸/۸۱؛ رازی: ۹/۱۸۶ ابن عاشور: ۲۶/۱۵۳ فضل الله: ۲۱/۱۱۹	بیضاوی: ۵/۳۵ طباطبایی: ۱۸/۲۸۷ مراغی: ۲۶/۱۰۶ جوادی املی، فتح: ۲۲		ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (فتح: ۲۲)

سال نهم  
شماره دوم  
پیاپی: ۱۷  
پاییز و زمستان  
۱۴۰۴

## تحلیل ساختار

این ساختار که در قالب نکره در سیاق نفی، ظاهر می‌شود، دلالت بر حصر دارد و بیانگر این است که هیچ ولی جز خداوند وجود ندارد. آیاتی که حاوی عبارت «وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ» هستند، به‌وضوح نفی ولایت غیرخداوند را مطرح می‌کنند و بر انحصار ولایت حقیقی در خداوند تأکید دارند؛ از جمله نمونه‌های بارز این مفهوم، آیه ۱۱ از سوره رعد و آیات مشابه است.

در بسیاری از این آیات، از جمله بقره: ۱۰۷ و ۱۲۰ و نساء: ۴۵، ولایت به معنای ولایت تکوینی تعبیر شده که دلالت بر این دارد که تنها خداوند عهده‌دار مدیریت و تدبیر امور بندگان است. این حقیقت با وجود اولیای دیگر که تحت ولایت الهی قرار دارند، تناقضی ندارد؛ زیرا ولایت آنان در طول ولایت مطلق الهی تعریف می‌شود. در مواردی همچون آیه ۷۵ سوره نساء که درخواست ولایت از خداوند مطرح شده، این درخواست به معنای تجلی و افزایش مرتبه‌ای از ولایت تکوینی خداوند بر فرد درخواست‌کننده است.

نکته حائز اهمیت در بررسی این ساختار، همراهی واژه «ولی» با «نصیر» در برخی آیات است.<sup>۱</sup> تقابل میان این دو مفهوم نشان‌دهنده آن است که «ولی» و «نصیر» مترادف نیستند. این قرینه همنشینی، به‌روشنی، گواهی می‌دهد که ولایت در این موارد به معنای نصرت نیست؛ برای مثال، در آیه ۱۱۳ از سوره هود: «وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَأَنْتَصِرُونَّ»، ذکر نصرت برای شبه‌نتیجه‌ای از ولایت، تفاوت معنایی این دو مفهوم را آشکار می‌سازد؛ علاوه بر آن، در آیه ۴۶ از سوره شوری: «وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ أَوْلِيَاءٍ يَنْصُرُونَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ»، عبارت «يَنْصُرُونَهُمْ» که صفت برای «أَوْلِيَاءٍ» است، تأکید می‌کند که یاری و نصرت بخشی از کارکرد ولایت است، اما با آن هم‌معنا نیست؛ به‌بیان دقیق‌تر، ولایت دارای شمول بیشتری است و نصرت یکی از مؤلفه‌های آن محسوب می‌شود؛ همچنین در برخی از آیات، واژه ولی در تقابل با شفیع به‌کار رفته است؛ از جمله آیات ۵۱ و ۷۰ سوره انعام و ۴ سوره سجده. این تقابل، به‌وضوح، تمایز مفهومی میان این دو واژه را نمایان می‌سازد. ولایت به معنای سرپرستی و تسلط کامل بر امور دیگران است؛ به‌گونه‌ای که فرد متولی عهده‌دار تمام جنبه‌های مدیریت و رفع مشکلات شود. در مقابل، شفاعت به معنای یاری‌رساندن و تسهیل رفع برخی از نیازهای خاص انسان است نه تمامی آن. این تفاوت را می‌توان در سخن آیت‌الله جوادی آملی مشاهده کرد که بیان می‌کند: «ولایت دلالت بر مدیریت جامع و مطلق دارد؛ درحالی که شفاعت تنها بخشی از این دایره وسیع را شامل می‌شود». (جوادی آملی: ۲۵/۲۷۴)

در آیه ۳۷ سوره رعد نیز تقابل میان ولایت و وقایت مورد توجه قرار گرفته است. ولایت

۱ بقره: ۱۰۷ و ۱۲۰؛ نساء: ۴۵ و ۷۵ و ۱۲۳ و ۱۷۳؛ توبه: ۷۴ و ۱۱۶؛ عنکبوت: ۲۲؛ احزاب: ۱۷ و ۶۵؛ شوری: ۸ و ۳۱ و ۴۴؛ فتح: ۲۲

به معنای مدیریت فراگیر امور بوده؛ درحالی که وقایت بر مفهوم صیانت و حفظ محدود تمرکز دارد (جوادی آملی: ۵۶۷/۴۲). از این منظر، نصرت و شفاعت اجزایی از ولایت محسوب می‌شوند؛ با این حال، در نصرت و وقایت، فرد مورد حمایت بخشی از امور را خود به عهده دارد و ناصر یا واقعی او را یاری می‌کند. این رابطه شباهتی با ارتباط والد و کودک دارد؛ به این معنا که نخست والدین عهده‌دار تمامی مسئولیت‌ها هستند، اما با رشد کودک، میزان حمایت کاهش می‌یابد و به حوزه‌های خاص محدود می‌شود (جوادی آملی: ۷۳/۴۳)؛ از سوی دیگر، مفهوم اصلی ولی در قرآن بر «تولی امور» و «اولی به تصرف» بودن دلالت دارد؛ مگر آنکه قرینه صارفه‌ای این ظهور را به معنای دیگری منتقل کند؛ در نتیجه، اصل بر این است که واژه ولی به معنای «متولی امور» تفسیر شود و تنها در موارد خاص، با وجود دلایل قوی، می‌توان معنای دیگری برای آن در نظر گرفت؛ با این حال، مشاهده می‌شود که برخی از مفسران اهل سنت و نیز برخی از مفسران شیعه، از جمله طبرسی، واژه ولی را در برخی از آیات به معنای نصرت تفسیر کرده‌اند (طوسی: ۲۱۱/۳)<sup>۱</sup>. به نظر می‌رسد این تفسیر ناشی از اختلاط میان مفهوم و مصداق ولایت است؛ به عبارت دیگر، در این موارد، مصداق ولایت ممکن است نصرت باشد، اما این دسته از مفسران مفهوم ولایت را نصرت نیز تفسیر کرده‌اند. این اشتباه تفسیری از اهمیت تفکیک دقیق میان مفهوم کلی ولایت و مصداق جزئی آن حکایت دارد.

## ۲-۱. ساختار اضافه

**گزارش یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش در ارتباط با آیات مرتبط با این ساختار و دیدگاه‌های مفسران در مورد معنای ولایت در جدول شماره (۲)، ارائه شده است. گزارش گذرای آیات مرتبط با این ساختار حاکی از این است که در مجموع، ۴۵ آیه ذیل این ساختار شناسایی شد و مفسران در این معنای ولایت در آیات مرتبط با این ساختار، معانی مختلفی را مطرح کرده‌اند؛ از جمله «اولی به تصرف» در ۲۹ آیه، «متولی امور» در ۳۳ آیه، «نصرت» در ۳۵ آیه، «محبت» در ۴ آیه و معانی دیگری همچون سید، وارث، تابع، پیرو، موالی، میراث، سید و حافظ، تولی و تصرف تکوینی، سلطان و ملک، خویشاوند پدری، ولد و وارث، پسرعمو، آزادکننده بنده، دوست، پسرعمو و صاحب، شایسته و سزاوار که در ۱۷ آیه آمده است.<sup>۲</sup>

(۱) زمخشری: ۵۱۶/۱؛ طبرسی: ۸۴/۳؛ مراغی: ۵۲/۵.

(۲) آیات مربوط به «ساختار اضافه» عبارت است از: بقره: ۲۵۷، ۲۸۲، ۲۸۶؛ آل عمران: ۶۸، ۱۲۲، ۱۵۰، ۱۷۵؛ نساء: ۳۳، ۷۶؛ مائده: ۵۵؛ انعام: ۶۲، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۲۸؛ اعراف: ۱۵۵، ۱۹۶؛ انفال: ۳۴، ۴۰، ۷۲؛ توبه: ۵۱؛ یونس: ۳۰، ۶۲؛ یوسف: ۱۰۱؛ نحل: ۶۳، ۷۶؛ اسراء: ۳۳؛ کهف: ۴۴؛ مریم: ۵، ۴۵؛ حج: ۱۳، ۷۸؛ نمل: ۴۹؛ احزاب: ۵، ۶؛ سبأ: ۴۱؛ فصلت: ۳۱، ۳۴؛ شوری: ۲۸؛ دخان: ۴۱؛ جاثیه: ۱۹؛ محمد: ۱۱؛ حدید: ۱۵؛ جمعه: ۶؛ تحریم: ۲، ۴. آیات مرتبط با معنای «اولی به تصرف» در سوره‌های بقره: ۲۵۷، ۲۸۶؛ آل عمران: ۶۸، ۱۵۰؛ نساء: ۷۶، ۳۳؛ مائده: ۵۵؛ انعام: ۶۲، ۱۲۷؛ اعراف: ۱۵۵، ۱۹۶؛ انفال: ۳۴، ۴۰؛ توبه: ۵۱؛ یونس: ۳۰، ۶۲؛ یوسف: ۱۰۱؛ نحل: ۶۳، ۷۶؛ اسراء: ۳۳؛ کهف: ۴۴؛ مریم: ۴۵؛ حج: ۱۳، ۷۸؛ سبأ: ۴۱؛ شوری: ۲۸؛ دخان: ۴۱؛ محمد: ۱۱؛ تحریم: ۲ و آیات مربوط به معنای «متولی امور» در سوره‌های بقره: ۲۵۷، ۲۸۲، ۲۸۶؛ آل عمران: ۶۸، ۱۲۲؛ نساء: ۳۳، ۷۶؛ انعام: ۶۲، ۱۲۷؛ اعراف: ۱۵۵، ۱۹۶؛ انفال: ۳۴، ۴۰؛ توبه: ۵۱؛ یونس: ۶۲؛ یوسف: ۱۰۱؛ نحل: ۶۳، ۷۶؛ اسراء: ۳۳؛ کهف: ۴۴؛ مریم: ۵، ۴۵؛ حج: ۱۳، ۷۸؛ نمل: ۴۹؛ سبأ: ۴۱؛ فصلت: ۳۱؛ شوری: ۲۸؛ دخان: ۴۱؛ جاثیه: ۱۹؛ حدید: ۱۵؛ تحریم: ۲، ۴ ذکر شده است؛ همچنین، آیات مرتبط با معنای «نصرت»

### جدول شماره ۲: دیدگاه مفسران در باره آیات مشتمل بر ساختار اضافه

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
اللَّهُ وَلِي الَّذِينَ آمَنُوا... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطُّغُوتُ (بقره: ۲۵۷)	طوسی: ۳/۱۳ و ۲/۳۱۴ فضل الله: ۵/۵۷	معنی کلمه اولیاء احتمال دوم: طبرسی: ۲/۶۳۲ رازی: ۷/۱۷ بنابر احتمال دوم درباره کلمه ولی بیضاوی: ۱/۱۵۵ جوادی املی: ۱۲/۳۳	طبری: ۱۴۱۲ ق: ۳/۱۵ معنی کلمه ولی و احتمال اول کلمه اولیاء: طبرسی: ۲/۶۳۲ ابن عاشور: ۲/۵۰۳ مراغی: ۳/۱۵	بنابر احتمال اول درباره کلمه ولی بیضاوی: ۱/۱۵۵	
أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَمْلُ هُوَ قَلْبٌ مَلَلٌ وَلَيْلَهُ بِالْعَدَلِ (بقره: ۲۸۲)		طبری: ۳/۸۰؛ طوسی: ۲/۳۷۳؛ زمخشری: ۱/۳۲۶؛ طبرسی: ۲/۶۸۳؛ رازی: ۷/۹۴ بیضاوی: ۱/۱۶۴ ابن عاشور: ۲/۵۷۰ سمین حلبی: ۲/۶۵۵؛ طباطبایی: ۲/۴۳۴؛ مراغی: ۳/۷۴ جوادی املی: ۶۳۴ و ۱۲/۶۳۵ فضل الله: ۵/۱۶۹؛ ۱۴/۱۹			
أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (بقره: ۲۸۶)	طبری: ۳/۱۰۶؛ طوسی: ۲/۲۸۷ معنی اول کلمه مولا طبرسی: ۲/۶۹۲ بیضاوی: ۱/۱۶۷ ابن عاشور: ۲/۶۰۳ معنی اول کلمه مولا فضل الله: ۵/۱۹۱	بر مبنای احتمال سوم معنی کلمه مولا زمخشری: ۱/۳۳۳ بر مبنای احتمال اول رازی: ۷/۱۲۵؛ بر مبنای احتمال اول مراغی: ۳/۸۸	بر مبنای احتمال دوم زمخشری: ۱/۳۳۳ بر مبنای احتمال دوم طبرسی: ۲/۶۹۲ سمین حلبی: ۲/۷۰۲ طباطبایی: ۲/۴۴۶ بر مبنای احتمال دوم فضل الله: ۵/۱۹۱ رازی، بر مبنای احتمال سوم: ۷/۱۲۵	بر مبنای احتمال اول زمخشری ۱/۳۳۳:	معنای سید بر مبنای احتمال اول زمخشری ۱/۳۳۳:
وَاللَّهُ وَلِي الْمُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۶۸)	طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۲۵۴؛ جوادی املی: ۱۴/۵۴۳ فضل الله: ۶/۹۲	رشیدرضا: ۳/۲۷۲ مراغی: ۳/۱۸۲	طبری: ۳/۲۱۸؛ طوسی: ۱/۳۷۱؛ طبرسی: ۲/۷۷۰؛ رازی: ۸/۲۵۵ بیضاوی: ۲/۲۲		
وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا (آل عمران: ۱۲۲)		بر مبنای احتمال دوم زمخشری: ۱/۴۱۰ بر مبنای احتمال دوم رازی: ۸/۳۴۷؛ رشید رضا: ۴/۹۰؛ مراغی: ۴/۱۵۵؛ فضل الله: ۶/۲۴۸	طبری: ۴۸/۴؛ طوسی: ۲/۵۷۷؛ طبرسی: ۲/۴۱۰ اول زمخشری: ۱/۴۱۰ بر مبنای احتمال اول رازی: ۸/۳۴۷؛ بیضاوی: ۲/۳۶ ابن عاشور: ۳/۲۰۵		

عبارت است از: بقره: ۲۵۷، ۲۸۶؛ آل عمران: ۶۸، ۱۲۲، ۱۵۰، ۱۷۵؛ نساء: ۷۶؛ مائده: ۵۵؛ انعام: ۱۲۱، ۱۲۷؛ اعراف: ۱۵۵، ۱۹۶؛ انفال: ۴۰، ۷۲؛ توبه: ۵۱؛ یونس: ۶۲؛ یوسف: ۱۰۱؛ نحل: ۶۳؛ کهف: ۴۴؛ مریم: ۵، ۴۵؛ حج: ۱۳، ۷۸؛ نمل: ۴۹؛ سبأ: ۴۱؛ فصلت: ۳۱، ۳۴؛ شوری: ۲۸؛ دخان: ۴۱؛ جاثیه: ۱۹؛ محمد: ۱۱؛ حدید: ۱۵؛ جمعه: ۶؛ تحریم: ۲، ۴؛ آیات مرتبط با معانی «محبت» نیز در سوره‌های بقره: ۲۵۷؛ انفال: ۷۲؛ فصلت: ۳۴؛ جمعه: ۶؛ است: همچنین، آیاتی که به مفاهیم دیگر مانند سید، وارث، تابع، پیرو، موالی، میراث، سید و حافظ، تولی و تصرف تکوینی، سلطان و ملک، خویشاوند پدری، ولد و وارث، پسرعمو، آزادکننده بنده، دوست، پسرعمو و صاحب، شایسته و سزاوار اشاره دارند، در سوره‌های بقره: ۲۸۶؛ نساء: ۳۳؛ انعام: ۶۲، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۲۸؛ انفال: ۴۰، ۷۲؛ یونس: ۶۲؛ کهف: ۴۴؛ مریم: ۵، ۴۵؛ حج: ۱۳؛ احزاب: ۵؛ فصلت: ۳۴؛ دخان: ۴۱؛ حدید: ۱۵ آمده است.

سال نهم

شماره دوم

پیاپی: ۱۷

پاییز و زمستان

۱۴۰۴

آیه	اولی به تصرف	منوبی امور	نصرت	محببت	معانی دیگر
بَلِ اللّٰهِ مَوْلَانِكُمْ (آل عمران: ۱۵۰)	طوسی: ۳/۱۵؛ طبرسی: ۲/۸۵۶؛ ابن عاشور: ۳/۲۴۷؛ جوادی آملی: ۱۵/۳۷؛ فضل الله: ۶/۳۰۹		طبری: ۴/۸۰؛ زمخشری: ۱/۴۲۵؛ رازی: ۹/ ۲۸۴؛ بیضاوی: ۲/۴۲؛ رشید رضا: ۴/۱۴۵؛ مراغی: ۴/۹۶		
إِنَّمَا ذَالِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ (آل عمران: ۱۷۵)			مراغی: ۴/۱۳۶		
وَ لِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْاَقْرَبُونَ وَ الَّذِينَ عَقَدْتُمْ اِيْمَانَكُمْ (نساء: ۲۳)	طوسی: ۳/۱۸۷؛ طبرسی: ۳/۶۵؛ طباطبایی: ۴/۳۴۱؛ مراغی: ۵/۲۵ و ۲۴؛ جوادی آملی: ۱۸/۲۷؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۷/۲۲۲	رازی: ۱۰/۶۷			معنای وارث طبری: ۳۳ و ۵/۳۳؛ زمخشری: ۱/۵۰۴؛ بیضاوی : ۲/۷۲؛ سمین : ۳/۶۶۸؛ حلی: ۴/۱۰۹؛ رشید رضا: ۵/۵۳
فَقَاتِلُواْ اَوْلِيَاءَ الشَّيْطٰنِ (نساء: ۷۶)	طباطبایی: ۴۲۰ و ۴/۴۲۱	طبری: ۱۰/۷	طوسی: ۳/۲۶۰؛ زمخشری: ۱/۵۲۵؛ رازی: ۱۰/۱۴۲؛ ابن عاشور: ۴/۱۸۸		
إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللّٰهُ وَ رَسُوْلُهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ الَّذِيْنَ يَتَّبِعُونَ الصَّلٰوةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ (مائدة: ۵۵)	طوسی: ۳/۵۵۹؛ طبرسی: ۳/۳۲۳؛ طباطبایی: ۶/۵؛ جوادی آملی: ۳۳/۳۳؛ فضل الله: ۸/۲۲۷		طبری: ۶/۱۸۶؛ رازی: ۱۲/۳۸۳؛ بیضاوی: ۲/۱۲۲؛ ابن عاشور: ۵/۱۳۸؛ رشید رضا: ۶/۳۶۵؛ مراغی: ۶/۱۴۳		
ثُمَّ رَدُّوْاْ اِلَى اللّٰهِ مَوْلٰهُمُ الْخٰقِ (انعام: ۶۲)	طوسی: ۱۵۹/۴؛ رازی: ۱۳/۱۷؛ ابن عاشور: ۶/۱۴۳؛ طباطبایی: ۷/۱۳۲؛ جوادی آملی: ۲۵/۳۱	زمخشری: ۲/۳۲؛ بیضاوی: ۲/۱۶۶؛ رشید رضا: ۷/۴۰۵؛ مراغی: ۷/۱۴۹؛ فضل الله: ۹/۱۴۸			به معنای سید طبری: ۷/۱۴۰
وَ اِنَّ الشَّيْطٰنِ لَيُوْحُوْنَ اِلَىْ اَوْلِيَانِهِمْ لِيَجَادِلُوْكُمْ (انعام: ۱۲۱)			طبری: ۸/۱۶		به معنی تابع و پ یرو: طوسی: ۴/ ۲۵۶؛ طبرسی: ۴/۵۵۳؛ جوادی آملی: ۲۷/۶۵
وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوْا يَفْعَلُوْنَ (انعام: ۱۲۷)	رازی: ۱۳/۱۴۷؛ جوادی آملی: ۲۷/۳۱؛ فضل الله: ۹/۳۲۵	بر مبنای احتمال اول طوسی: ۲۷۲ و ۴/۲۷۱؛ بر مبنای احتمال اول طبرسی: ۴/۵۶۳؛ رشید رضا: ۸/۵۴؛ مراغی: ۸/۲۶؛ سمین حلی: ۸/۲۶	طبری: ۸/۲۵؛ احتمال دوم طوسی: ۲۷۱ و ۴/۲۷۲؛ بر مبنای احتمال دوم زمخشری: ۲/۶۴؛ بر مبنای احتمال دوم طبرسی: ۴/۵۶۳؛ بر مبنای احتمال دوم بیضاوی: ۲/۱۸۲؛ سمین حلی: ۵/۱۴۷؛ بر مبنای احتمال اول ابن عاشور، ۷/۴۹		به معنای موالی: بر مبنای احتمال اول زمخشری: ۲/۶۴؛ بر مبنای احتمال اول بیضاوی: ۲/۱۸۲؛ بر مبنای احتمال دوم ابن عاشور، ۷/۴۹

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
وَقَالَ أُولِيَاؤُهُمْ مِنَ الْأَنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَحَ بِعِضِنَا بَعْضٌ (انعام: ۱۲۸)					پیروان: زمخسری: ۲/۶۴؛ طبرسی: ۴/۵۶۴؛ رازی: ۱۳/۱۴۸؛ بیضاوی: ۲/۱۸۲؛ ابن عاشور: ۷/۵۲؛ رشید رضا: ۸/۵۶؛ طباطبایی: ۷/۳۵۲؛ مراغی: ۸/۲۷؛ جوادی أملی: ۳۷/۱۵۵؛ فضل الله: ۹/۳۲۸
أَنْتَ وَلِيْنَا فَأَغْفِرْ لَنَا (اعراف: ۱۵۵)	احتمال دوم طوسی: ۴/۵۵۷؛ احتمال دوم طبرسی، ۴/۷۴۶؛ طباطبایی: ۸/۲۷۲؛ جوادی أملی: ۳/۴۱۶	زمخسری: ۲/۱۶۵؛ بیضاوی: ۳/۳۷؛ رشید رضا: ۹/۱۸۹؛ مراغی: ۹/۷۹	طبری: ۹/۵۳؛ بر مبنای احتمال اول طوسی: ۴/۵۵۷؛ بر مبنای احتمال اول طبرسی: ۴/۷۴۶؛ رازی: ۱۵/۳۷۸؛ ابن عاشور: ۸/۳۰۹؛ فضل الله: ۱۰/۲۵۷		
إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ (اعراف: ۱۹۶)	جوادی أملی: ۳۱/۵۴۳	بر مبنای احتمال دوم رشید رضا: ۹/۴۴۲	طبری: ۹/۱۰۳؛ طوسی: ۵/۶۰؛ زمخسری: ۲/۱۸۹؛ طبرسی: ۴/۷۸۶؛ رازی: ۱۵/۴۳۳؛ ابن عاشور: ۸/۳۹۶؛ بر مبنای احتمال اول رشید رضا: ۹/۴۴۲؛ مراغی: ۹/۱۴۵		
وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يُصَدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أُولِيَاءَهُ إِنَّ أُولِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ (انفال: ۳۴)	طوسی: ۵/۱۱۴	زمخسری: ۲/۲۱۷؛ مراغی: ۹/۲۰۳؛ جوادی أملی: ۳۲/۴۱۹			
وَإِنْ تَوَلَّوْا فاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ (انفال: ۴۰)	جوادی أملی: ۳۲/۴۴۸	بنابر احتمال دوم رشیدرضا: ۹/۵۵۴؛ بنابر احتمال دوم مراغی: ۹/۲۰۸	طبری: ۹/۱۶۳؛ طوسی: ۵/۱۲۱؛ زمخسری: ۲/۲۲۰؛ طبرسی: ۴/۸۳۴؛ بیضاوی: ۳/۵۹؛ ابن عاشور: ۹/۱۰۰؛ رشیدرضا: ۹/۵۵۴؛ طباطبایی: ۹/۷۶؛ مراغی: ۹/۲۰۸؛ فضل الله: ۱۰/۳۸۱	بنابر احتمال دوم سید و حافظ: طبرسی: ۴/۸۳۴	
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلِيَّتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا (انفال: ۷۲)			سمین حلبی: ۵/۶۴۰؛ بنابر احتمال دوم: ابن عاشور: ۹/۱۷۱؛ رشیدرضا: ۱۰/۹۷؛ مراغی: ۱۰/۴۳؛ جوادی أملی: ۳۳/۱۱۳	فضل الله: ۱۰/۴۳۱	میراث: طبری: ۱۰/۳۷؛ طوسی: ۵/۱۶۲؛ زمخسری: ۲/۳۳۹؛ طبرسی: ۴/۸۶۲؛ رازی: ۱۵/۵۱۷؛ بیضاوی: ۳/۳۶۸؛ ابن عاشور: ۹/۱۷۱؛ طباطبایی: ۹/۱۴۲

آیه	اولی به تصرف	منوبی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا (توبه: ۵۱)	بنابرا احتمال اول طوسی: ۵/۲۳۴؛ طبرسی: ۵/۵۸؛ رازی: ۱۶/۶۷؛ ابن عاشور: ۱۰/۱۱۸؛ طباطبایی: ۹/۳۰۷؛ آملی: ۳۴/۲۱۲؛ فضل الله: ۱۱/۱۳۳	بنا احتمال دوم طوسی: ۵/۲۳۴؛ زخمسری: ۲/۲۷۸؛ بنا برا احتمال دوم بیضاوی: ۳/۸۴؛ ۱۴۱۸؛ مراغی، بنابرا احتمال دوم بی تا: ۱۰/۱۳۵	طبری: ۱۰/۱۰۵؛ بنابرا احتمال اول بیضاوی: ۳/۸۴؛ بنابرا احتمال اول مراغی: ۱۰/۱۳۵		
هَذَاكَ تَبَلَّوْا كُلَّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَانَهُمْ الْحَقُّ (يونس: ۳۰)	طبری: ۱۱/۷۹؛ طوسی: ۵/۳۷۰؛ زخمسری: ۲/۳۴۴؛ رازی: ۵/۱۶۱؛ ۱۷/۲۴۶؛ بیضاوی: ۳/۱۱۱؛ ابن عاشور: ۱۱/۷۱؛ رشیدرضا: ۱۱/۲۹۰؛ ۱۰/۴۷؛ مراغی: ۱/۹۸؛ جوادی آملی: ۳۶/۴۳۷؛ فضل الله: ۱۱/۳۰۲				
أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (يونس: ۶۲)	طوسی: ۵/۴۰۱؛ طبرسی: ۵/۱۸۱؛ طباطبایی: ۸۸/۱۰/۸۹؛ جوادی آملی: ۳۷/۱۰۰؛ فضل الله: ۱۱/۳۳۴	مراغی: ۱۱/۱۲۹	طبری: ۱۱/۹۱		به معنای تولی و تصرف تکوینی: زخمسری: ۲/۳۵۵؛ رازی: ۱۷/۲۷۶؛ بیضاوی: ۳/۱۱۸؛ ۱۹۹۰؛ ۱۱/۳۴۰؛ رشیدرضا: ۱۱/۳۴۰
فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيٌّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (يوسف: ۱۰۱)	طباطبایی: ۱۱/۲۴۹؛ جوادی آملی: ۴۱/۴۲۲؛ فضل الله: ۱۲/۲۷۰	طبری: ۱۳/۴۸؛ زخمسری: ۲/۵۰۷؛ رازی: ۱۸/۵۱۵؛ برمینای احتمال دوم بیضاوی: ۳/۱۷۷؛ برمینا احتمال اول مراغی: ۱۳/۴۵	طوسی: ۶/۲۰۰؛ طبرسی: ۵/۴۰۸؛ بنا بر احتمال اول بیضاوی: ۳/۱۷۷؛ ابن عاشور: ۱۲/۱۲۱؛ برمینا احتمال دوم مراغی: ۱۳/۴۵		
فَرِيقٌ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالُهُمْ فِيهِمْ وَلِيَّهُمُ الْيَوْمَ (نحل: ۶۳)	جوادی آملی: ۴۶/۴۱۱	طبرسی: ۶/۵۶۹؛ رازی: ۲۰/۲۳۰؛ ابن عاشور: ۱۳/۱۵۷	طبری: ۱۴/۸۸؛ طوسی: ۶/۳۹۷؛ زخمسری: ۲/۶۱۴؛ سمین حلبی: ۷/۲۴۹؛ مراغی: ۱۴/۱۰۰؛ فضل الله: ۱۳/۲۵۱		

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا زُجَاجِينَ أَخَذَهُمَا أَبُكُم لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَ هُوَ كُلٌّ عَلَى مَوْلَانِهِ (نحل: ۷۶)	طوسی: ۶/۴۱۰، رازی: ۲۰/۲۴۸.	طبری: ۱۴/۱۰۰؛ زمخشری ی: ۲/۶۲۳؛ طبری: ۵۷/۶ ۸، بیضاوی: ۲۳۵/۲، ابن عا شور: ۱۳/۱۸۳، طباطبایی ۱: ۱۲/۳۰، مراغی: ۱۴/۱ ۱۵، جوادی آملی: ۴۷/۳۷، فضل الله: ۱۳/۲۶۵			
وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا قَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَهُ سُلْطَانًا (اسراء: ۳۳)	جوادی آملی: ۴۸/۵۴۵	طبری: ۱۵/۵۹؛ طوسی: ۶/۴۷۵؛ طبری: ۶/۶۳۸؛ زمخشری: ۲/۶۶۴؛ رازی: ۲۰/۳۳۵؛ بیضاوی: ۳/۲۵۴؛ ابن عاشور: ۱۴/۷۵؛ طباطبایی: ۱۳/۹۰؛ مراغی: ۱۵/۴۳، فضل الله: ۱۴/۱۰۷			
هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ (کهف: ۴۴)	طبری: ۱۵/۱۶۴؛ طباطبایی: ۱۳/۳۱۷؛ جوادی آملی: ۵۱/۶۰۱؛ بیضاوی: ۳/۲۸۲؛ مراغی: ۱۵/۱۵۲	بنابرا احتمال دوم زمخشری: ۲/۷۲۴؛ بنابرا احتمال دوم طبری: ۶/۷۲۹؛ فضل الله: ۱۴/۳۳۳	طوسی: ۷/۵۰؛ زمخشری: ۲/۷۲۴؛ طبری: ۶/۷۲۹؛ رازی: ۲۱/۴۶۶	به معنای سلطان وملک: بر مبنای احتمال دوم رازی: ۲۱/۴۶۶؛ ابن عاشور: ۱۵/۷۴	
وَ إِنِّي خَفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَاءِي (مریم: ۵)					عصبه: خویشاوند پدري: طبری: ۱۶/۳۷؛ طوسی: ۷/۱۰۵؛ زمخشری: ۳/۴؛ طبری: ۶/۷۷۶؛ وارث: ۲۱/۵۰۹؛ ابن عاشور: ۱۶/۱۱ مراغی: ۱۶/۳۴؛ فضل الله: ۱۵/۱۲ پسر عمو: بیضاوی: ۴/۶؛ طباطبایی: ۱۴/۸
فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا (مریم: ۵)		طباطبایی: ۱۴/۹؛ جوادی آملی: ۵۱/۸۴؛ فضل الله: ۱۵/۱۳	بنابرا احتمال دوم طبری: ۱۶/۳۷		معنای ولد ووارث: طبری: ۱۶/۳۷؛ زمخشری: ۳/۵؛ طبری: ۶/۷۷۶؛ رازی: ۲۱/۵۱۰؛ بیضاوی: ۴/۶؛ مراغی: ۱۶/۳۵ معنای پسرعمو: سمین حلبی: ۷/۵۶۷
يَأْتِي ابْنِي أَخَافُ أَنْ يَمْسُكَ عَذَابَ مَنْ الرَّحْمَانِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا (مریم: ۴۵)	جوادی آملی: ۵۲/۳۶۹	طباطبایی: ۱۴/۵۸؛ فضل الله: ۱۵/۲۵	طوسی: ۷/۱۲۹		پیرو: طبری: ۶/۷۹۸؛ رازی: ۲۱/۵۴۵، ابن عاشور: ۱۶/۴۸ قرین وتابع: بیضاوی: ۴/۱۲؛ مراغی: ۱۶/۵۷

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
يَدْعُوا لِمَنْ صَرَفَهُ أَقْرَبُ مَنْ نَفَعَهُ لِبَيْتِ الْمَوْلَى وَ لِبَيْتِ الْعَشِيرَةِ (حج: ۱۳)	جوادی آملی: ۵۷/۴۲۰	ابن عاشور: ۱۵۷/۱۷	طوسی: ۲۹۸/۷; زمخشری: ۱۴۷/۳; طبرسی: ۲۰۹/۲۳; رازی: ۶۷/۴; طباطبایی: ۳۵۱/۱۴; مراغی: ۹۳/۱۷; فضل الله: ۲۹/۱۶		به معنای پسرعمو: طبری: ۹۵/۱۷
فَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزُّكُوفَ وَاعْتَمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَانَكُمْ فِغَمِ الْمَوْلَى وَ نِعْمِ النَّصِيرِ (حج: ۷۸)	طوسی: ۳۴۵/۷; طبرسی: ۱۵۵/۷; رازی: ۲۵۷/۲۳; سمین حلبی: ۳۱۱/۸; جوادی آملی: ۳۵۸/۵۷; فضل الله: ۱۲۸/۱۶	طبری: ۱۴۵/۱۷; بنابر احتمال دوم طبرسی: ۱۵۵/۷; برمبنای احتمال دوم بیضاوی: ۸۱/۴; ابن عاشور: ۲۵۴/۱۷; مراغی: ۱۵۰/۱۷	زمخشری: ۱۷۳/۳; بنابر احتمال سوم طبرسی: ۱۵۵/۷; برمبنای احتمال اول بیضاوی: ۸۱/۴		
قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَ أَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكِ أَهْلِهِ (نمل: ۴۹)		بیضاوی: ۱۶۳/۴; طباطبایی: ۳۷۴/۱۵; مراغی: ۱۴۸/۱۹; جوادی آملی: ۳۹۲/۶۲; فضل الله: ۲۱۷/۱۷	طوسی: ۱۰۳/۸		
ادْعُوهُمْ لِآيَاتِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آيَاتَهُمْ فَاخْوَانِكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِكُمْ (احزاب: ۵)					آزادکننده بنده: طبری: ۷۶/۲۱; طوسی: ۳۱۵/۸; زمخشری: ۵۲۲/۳; رازی: ۱۵۶/۲۵; بیضاوی: ۲۲۵/۴; عاشور: ۱۹۰/۲۱; مراغی: ۱۲۸/۲۱; پسرعمو: طوسی: ۳۱۵/۸; طبرسی: ۵۲۸/۸; ولایت دینی: طباطبایی: ۲۷۶/۱۶; فضل الله: ۲۶۰/۱۸; دوست: جوادی آملی: جلسه دوم / احزاب ۵
بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَانِكُمْ مَعْرُوفًا (احزاب: ۶)					
قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَآلِنَا مِنْ دُونِهِمْ (سبأ: ۴۱)	طبری: ۲۲/۶۹; بنابر احتمال اول طوسی: ۴۰۳/۸; طبرسی: ۱۸/۸; رازی: ۲۱۲/۲۵; بیضاوی: ۲۵۰/۴; مراغی: ۹۲/۲۲; طباطبایی: ۳۸۶/۱۶; جوادی آملی: ۴۱/سبأ; فضل الله: ۵۹/۱۹	زمخشری: ۵۸۸/۳	بنابر احتمال دوم طوسی: ۴۰۳/۸; بنابر احتمال دوم طبرسی: ۱۸/۸; عاشور: ۸۴/۲۲		

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ (فصلت: ۳۱)		طبری : ۲۷/۷۴: رازی: ۲۷/۵۶۱؛ ابن عاشور: ۲۵/۵۲؛ بر مبنای احتمال اول طباطبایی: ۱۷/۳۹۰ مرآعی: ۲۴/۱۲۸: جوادی آملی: فصلت: ۳۱: فضل الله، ۲۰/۱۱۶	طوسی: ۹/۱۲۴؛ طبرسی: ۹/۱۹؛ بر مبنای احتمال دوم طباطبایی: ۱۷/۳۹۰		
فَإِذَا الدِّيْنُ بَيَّنَّكَ وَبَيَّنَّهٗ عَدَاوَةَ كَانَهُ وَلِيٍّ حَمِيمٍ (فصلت: ۳۴)			طباطبایی: ۱۷/۳۹۲؛ فضل الله: ۲۰/۱۱۹؛ ابن عاشور: ۲۵/۵۹؛	رازی: ۲۷/۵۶۵؛ مرآعی: ۲۴/۱۳۱	دوست: طبری: ۲۴/۷۶؛ طو سی: ۹/۱۲۶؛ زمخ شری: ۴/۲۰؛ طب رسی: ۹/۲۰؛ بیضا وی: ۵/۷۲؛ طباطبایی: ۱۷؛ ۳۹۲/مرآعی: ۲۴/۱۳۱؛ فضل الله: ۲۰/۱۱۹؛ قریب: سمین حلبی: ۹/۵۲۷ حلیف: ابن عاشور: ۲۵/۵۹
وَ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيمُ (شوری: ۲۸)	طوسی: ۹/۱۶۲؛ جوادی آملی: جلسه ۳۰، شوری ۲۸	طبری: ۲۵/۲۰؛ زمخشری: ۴/۲۲۴؛ طبرسی: ۹/۴۷؛ را زی: ۲۷/۵۹۹؛ بیضاوی: ۵/ ۸۱، مرآعی: ۲۵/۴۶؛	ابن عاشور: ۲۵/۱۵۸؛ جوادی آملی: جلسه ۳۰، شوری ۲۸		
يَوْمَ لَا يَغْنَى مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ سَبِيًّا (دخان: ۴۱)	مولى اول طباطبایی: ۱۸/۱۴۷ جوادی آملی، دخان: ۴۱	طوسی: ۹/۲۳۹؛ طبرسی: ۹/۱۰۲ مولى دوم طباطبایی: ۱۸/۱۴۷	رازی: ۲۷/۶۶۳؛ جوادی آملی، دخان: ۴۱		معنای پسرعمو و صاحب: طبری: ۲۵/۷۷؛ به معنای قرابت: زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۲۸۰؛ بیضاوی: ۵/۱۰۳؛ ابن عاشور: ۲۵/۳۳۶ مرآعی: ۲۵/۱۲۳
وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ (آجاثیه: ۱۹)		طباطبایی: ۱۸/۱۶۷؛ جوادی آملی: جلسه ۸/آیه ۱۹ جاثیه: فضل الله: ۲۰/۳۲۱	طبری: ۲۵/۸۹؛ طبرسی: ۹/۱۱۴؛ رازی: ۲۷/۶۷۵؛ مرآعی: ۲۵/۱۵۲؛		
ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَىٰ الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَىٰ لَهُمْ (محمد: ۱۱)	طباطبایی: ۱۸/۲۳۰؛ جوادی آملی، محمد: ۱۱		طبری : ۲۶/۳۰؛ طوسی: ۹/۲۹۵؛ زمخشری: ۴/۳۱۹؛ طبرسی: ۹/۱۵۱؛ رازی: ۲۸/۴۴؛ بیضاوی: ۵/۱۲۱؛ سمین حلبی: ۹/۶۸۹؛ ابن عاشور: ۲۶/۷۵؛ مرآعی: ۲۶/۵۵؛ فضل الله: ۲۱/۷۵		

آیه	اولی به تصرف	منوبی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
مَا وَكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَانِكُمْ (حدید: ۱۵)		طباطبایی: ۱۹/۱۵۸، جوادی املی: جلسه ۱۱، حدید: ۱۵، فضل الله: ۲۲/۲۸	زمخشری: ۴/۴۷۶، طباطبایی: ۱۹/۱۵۸، فضل الله: ۲۲/۲۸، رازی: ۲۹/۴۶۰، بیضاوی: ۵/۱۸۸، عاشور: ۲۷/۳۵۱، فضل الله: ۲۲/۲۸		شایسته وسزاوار: طبری: ۲۷/۱۳۱، طوسی: ۹/۵۲۷، طبرسی: ۹/۳۵۵، سمین حلبی: ۱۰/۲۴۶، مراغی: ۲۷/۱۷۱
قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا الْمَوْتِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (جمعه: ۶)			طبری: ۲۸/۶۴؛ طوسی: ۱۰/۶؛ طبرسی: ۱۰/۴۳۳؛ عاشور: ۲۸/۱۹۳	زمخشری: ۴/۵۳۱؛ رازی: ۳۰/۵۴۰؛ بیضاوی: ۵/۲۱۲؛ طباطبایی: ۱۹/۲۶۷؛ مراغی: ۲۸/۹۷؛ فضل الله: ۲۲/۲۱۳	
قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحَلُّهُ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَانِكُمْ (تحریم: ۲)	جوادی املی، تحریم: ۲	زمخشری: ۴/۵۶۵؛ بیضاوی: ۵/۲۲۴؛ برمینای احتمال دوم این عاشور: ۲۸/۳۱۲؛ طباطبایی: ۱۹/۳۳۰؛ مراغی: ۲۸/۱۵۷؛ فضل الله: ۲۲/۳۰۸	طبری: ۲۸/۱۰۳؛ طوسی: ۱۰/۴۶؛ طبرسی: ۱۰/۴۷۴؛ رازی: ۳۰/۵۶۹؛ احتمال اول ابن عاشور: ۲۸/۳۱۲		
فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَانُ وَ جَبْرِئِلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ (تحریم: ۴)		طوسی: ۱۰/۴۸؛ طبرسی: ۱۰/۴۷۴؛ ۱۹/۳۳۱؛ جوادی املی، تحریم: ۴؛ فضل الله: ۲۲/۳۱۳	طبری: ۲۸/۱۰۵؛ زمخشری: ۴/۵۶۶؛ رازی: ۳۰/۵۷۰؛ بیضاوی: ۵/۲۲۵؛ عاشور: ۲۸/۳۲۰؛ مراغی: ۲۸/۱۵۹		

## تحلیل ساختار

ساختار اضافه در قرآن کریم را می‌توان در چهار دسته کلی بررسی کرد: (۱) ولایت‌های ممدوح: شامل ولایت خداوند متعال، ولایت پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان، ولایت فرشتگان و به صورت خاص، ولایت جبرئیل و صالح المؤمنین.<sup>۱</sup> (۲) ولایت‌های مذموم: دربرگیرنده ولایت شیطان، ولایت طاغوت و انسان‌های منحرف از حق، ولایت کافران، ولایت غیر خداوند و ولایت آتش.<sup>۲</sup> (۳) تولی امور در دنیا: این حوزه به مواردی همچون ولایت بر

(۱) آیاتی که بیانگر «ولایت خداوند» است، عبارت است از: بقره: ۲۵۷ و ۲۸۶؛ آل عمران: ۶۸، ۱۲۲ و ۱۵۰؛ مائده: ۵۵؛ انعام: ۱۲۷؛ اعراف: ۱۵۵ و ۱۹۶؛ انفال: ۴۰؛ توبه: ۵۱؛ یونس: ۳۰ و ۶۲؛ یوسف: ۱۰۱؛ کهف: ۴۴؛ حج: ۷۸؛ سبأ: ۴۱؛ شوری: ۲۸؛ جاثیه: ۱۹؛ محمد: ۱۱؛ تحریم: ۲ و ۴. و آیه ۵۵ سوره مائده نشان‌دهنده ولایت پیامبر و مؤمنان است. و تنها آیاتی که به ولایت فرشتگان اشاره دارد، آیه ۳۱ از سوره فصلت است. و آیاتی که بیانگر ولایت جبرئیل و صالح المؤمنین است آیات ۲ و ۴ سوره تحریم است. (۲) آیاتی که به «ولایت شیطان» اشاره دارد، عبارت است از: آل عمران: ۱۷۵؛ نساء: ۷۶؛ انعام: ۱۲۱؛ نحل: ۶۳؛ مریم: ۴۵. و آیاتی که بیانگر «ولایت طاغوت» و انسان‌های منحرف از حق است، شامل بقره: ۲۵۷؛ انعام: ۱۲۸. و تنها آیاتی که به «ولایت کافران» اشاره دارد، آیه ۳۴ سوره انفال است. و آیه ۱۳ سوره حج به «ولایت غیر خداوند» اشاره دارد و آیه ۱۵ از سوره حدید نشان‌دهنده «ولایت آتش» است.

افراد صغیر یا محجور، ولایت در ارث، ولایت مولی بر برده و ولایت در جانشینی یا وراثت اختصاص دارد. (۴۱) ولایت والیان در دنیا و آخرت: عمده آیات مرتبط به ولایت، به حوزه دنیا اختصاص دارد، اما اشاره‌هایی به ولایت در آخرت نیز وجود دارد؛ مانند آیات ۶۲ از سوره انعام، ۳۰ از سوره یونس، ۶۳ از سوره نحل و ۴۱ از سوره دخان.

**تفکیک ولایت تکوینی و تشریحی:** ولایت خداوند متعال که در بسیاری از آیات به آن اشاره شده است، عمدتاً به معنای ولایت تکوینی است و تمامی موجودات، از جمله کافران و شیطان را در برمی‌گیرد؛ با این حال، این ولایت تکوینی در خصوص مؤمنان با رحمت و هدایت ویژه‌ای همراه است که جنبه‌ای از ولایت تکوینی در چارچوب امور تشریحی را نمایان می‌سازد. این نوع ولایت، شامل قانون‌گذاری نیست، بلکه ولایت تکوینی در زمینه تشریح است که به نعمت‌ها و هدایت‌های خاص اشاره دارد.

در برخی آیات، مانند ۲۸۲ از سوره بقره و ۳۳ از سوره نساء، ولایت به معنای تشریحی و برای صدور احکام الهی تفسیر شده است؛ به‌ویژه در آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» (مائده: ۵۵)، مفهوم ولایت تشریحی به معنای حاکمیت سیاسی و ولایت حکومتی قابل استنباط است؛ زیرا این ولایت تنها به خداوند محدود نشده و شامل پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان نیز می‌شود؛ بدین ترتیب، این ولایت نمی‌تواند صرفاً تکوینی باشد، بلکه نوعی ولایت تشریحی در حوزه حاکمیت و رهبری جامعه است (بحث تفصیلی درباره این آیه در جایگاه خود بیان شد).

**مراتب ولایت تکوینی در امور تشریحی:** ولایت تکوینی در حوزه امور تشریحی، مراتب متعددی دارد. آیه «إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» (اعراف: ۱۹۶) نشان می‌دهد که همه مؤمنان به یک اندازه از ولایت تکوینی در زمینه تشریح، برخوردار نیستند. این مراتب از درجات پایین‌تر که شامل مؤمنان عمومی است، آغاز شده و به درجات بالاتر که مؤمنان صالح و مخلص را در برمی‌گیرد، منتهی می‌شود. در رأس این مراتب، ولایت رسول خدا (ص) قرار دارد که تجلی کامل این نوع ولایت است.

تحلیل ساختار مضاف و شبه‌مضاف در مفهوم ولایت: در راستای بررسی معنای ولایت در تقابل با نصرت و محبت، نکته حائز اهمیت آن است که واژه «ولی» در این ساختار به دو شیوه مضاف و شبه‌مضاف ظاهر می‌شود. در مواردی مانند آیه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا...» (بقره: ۲۵۷) و «فَلْيُمْلِلْ وَيُئْتِ بِالْعَدْلِ» (بقره: ۲۸۲)، واژه «ولی» به صورت مضاف آمده است که نشان‌دهنده رابطه‌ای است که «ولی» (اعمال‌کننده ولایت) بر مضاف‌الیه خود (مولی علیه) اعمال ولایت می‌کند. در این موارد، «ولی» به معنای متولی و سرپرست است که وظیفه

(۱) آیه‌ای که به ولایت فرد صغیر یا محجور اشاره دارد، عبارت است از: آیه ۲۸۲ از سوره بقره و آیه ۳۳ سوره نساء نشان‌دهنده ولایت در ارث است. و آیات ۷۲ انفال؛ ۷۶ نحل. و آیه ۳۳ سوره اسراء (ولی دم مقتول) به ولی و مولی برده اشاره دارد. و آیاتی که به ولایت جانشینی یا وراثت اشاره دارند، آیه ۵ از سوره مریم؛ آیه ۴۹ سوره نمل و ۵ سوره احزاب است.

مدیریت و سامان‌دهی امور مولی‌علیه را بر عهده دارد.

در مقابل، گاهی واژه «ولی» به صورت شبه‌مضاف به کار می‌رود؛ به این معنا که مضاف‌الیه آن به طور مستقیم ذکر نشده، اما از قرائن موجود قابل استنباط است؛ برای مثال، در آیه «وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوْلَىٰ» (نساء: ۳۳)، حرف جر «لام» به «کل» اضافه شده و مربوط به موالی است که به نوعی حکم اضافه دارد و مفهوم ولایت به طور ضمنی، بیان شده است. این ساختار نیز حکایت از رابطه‌ای دارد که «ولی» در مقام سرپرستی بر مولی‌علیه برقرار می‌سازد؛ هرچند مضاف‌الیه به صورت صریح در متن، نیامده است.

به طور کلی، ساختار واژه «ولی» و مشتقات آن در قرآن نشان می‌دهد که «ولی» همواره در مقام اعمال‌کننده ولایت بر مضاف‌الیه ظاهر می‌شود؛ برای مثال، در آیه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره: ۲۵۷)، خداوند سرپرست و متولی امور مؤمنان است و ایشان تحت ولایت او قرار دارند؛ به همین ترتیب، تعبیری مانند «اولیاء الشیطان» به کسانی اشاره دارد که شیطان بر آنان ولایت دارد و ایشان تحت سرپرستی او هستند.

آیات «أَنْتَ مَوْلَانَا»، «إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ» (اعراف: ۱۹۶) و «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ» (یونس: ۶۲) نیز بر ولایت خداوند در سرپرستی و تدبیر امور تأکید دارند. در این آیات، خداوند سرپرست پیامبر و اولیاء‌الله معرفی شده و ولایت او به معنای سلطه و تدبیر امور است نه صرفاً دوستی یا محبت. تعبیر «اولیاء‌الله» و «اولیاء الشیطان» نیز به افرادی اشاره دارد که تحت سرپرستی و سلطه خداوند یا شیطان قرار دارند؛ در نتیجه، در این ساختار، چون ولایت از طرف خدا به بنده تفسیر می‌شود، نشان‌دهنده ولایت و متولی‌گری است و از معنای صرف محبت و دوستی فراتر می‌رود.

این معنا در تحلیل‌های دیگر نیز مشهود است؛ از جمله در ظهور واژه «ولی» با مفهومی که به وضوح نقش متولی امور را ایفا می‌کند؛ به‌ویژه زمانی که به «مولی‌علیه» افزوده می‌شود و در این ساختار، ولایت را بر مضاف‌الیه اعمال می‌کند. بر اساس این تحلیل، آیات قرآن را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: نخست، خداوند ولی مؤمنان و صالحان است و ولایت خود را بر آنها اعمال می‌کند. در مقابل، شیطان و طاغوت ولی کسانی هستند که از مسیر حق منحرف شده‌اند. علاوه‌براین، واژه «ولی» در معنای سرپرستی افراد ناتوان یا صغیر، همچون پدر یا جد به کار می‌رود که در این موارد، ولایت بر آنان در جایگاه مولی‌علیه اعمال می‌شود.

### تغییر معنای «ولی» در بستر روابط انسانی و قرینه‌های قرآنی

با این حال، در آیه «فَالَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت: ۳۴)، واژه «ولی» در معنای «دوست» به کار رفته است. این تعبیر به دلیل همراهی با واژه «حمیم» شکل گرفته و بر نیکی و تبدیل دشمنی به دوستی دلالت دارد. از آنجاکه این آیه به روابط میان انسان‌ها اشاره دارد و نه رابطه انسان با خدا، واژه «ولی» در این سیاق، از معنای اصلی خود در جایگاه متولی امور، فاصله گرفته و با قرینه موجود معنای دوستی را پذیرفته است.

### ۳-۱. ساختار اتخاذ ولی

گزارش یافته‌ها: یافته‌های تحقیق در مورد آیات مرتبط با این ساختار و نظرات مفسران درباره معنای ولایت در جدول شماره (۳) آورده شده است. باتوجه به نکات زیر، گزارش گذرای آیات مرتبط با این ساختار بدین صورت است: در مجموع ۲۲ آیه در رابطه با این ساختار، شناسایی شد. و مفسران در این سیاق، معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند؛ از جمله «اولی به تصرف» در ۱۶ آیه، «متولی امور» در ۱۱ آیه، «نصرت» در ۱۸ آیه، «محبت» در ۴ آیه و «پیروی و تابع» در ۲ آیه.<sup>۱</sup>

جدول شماره ۳: دیدگاه مفسران در باره آیات مشتمل بر ساختار اتخاذ ولی

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۲۸)	جوادی املی: ۱۳/۶۳۳ رشید رضا: ۳/۲۷۷		طبری: ۳/۱۵۲؛ طوسی: ۴۳۴ و ۲/۴۳۴؛ زمخشری: ۱/۳۵۱؛ طبرسی: ۳۰ و ۲/۷۳۰؛ رازی: ۸/۱۹۱؛ بیضاوی: ۲/۱۲؛ سمین حلبی: ۳/۱۰۷؛ جوادی املی: ۱۳/۶۳۳	ابن عاشور: ۳/۷۰ طباطبایی: ۳/۱۵۳ و ۱۵۲ مراغی: ۳/۱۳۶ فضل الله: ۳۱۲ و ۵/۳۱۱ جوادی املی: ۱۳/۶۳۳	
فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِئَالًا وَلَا نَصِيرًا (نساء: ۸۹)		بنا بر احتمال دوم رازی: ۱۰/۱۷۰؛ بنا بر احتمال دوم مراغی: ۵/۱۱۶	طبری: ۵/۱۲۴؛ طوسی: ۳/۲۸۴؛ رازی: ۱۰/۱۷۰؛ زمخشری: ۱/۵۴۷؛ طبرسی: ۳/۱۳۴ و ۲/۸۸؛ ابن عاشور: ۴/۲۱۲؛ رشید رضا: ۵/۲۶۴؛ طباطبایی: ۵/۳۰؛ مراغی: ۵/۱۱۶؛ جوادی املی: ۷/۳۹۳ و ۲۰/۹۵؛ فضل الله: ۷/۳۹۳		
وَمَنْ يَتَّخِذِ الشُّرِيطِينَ وِئَالًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا (نساء: ۱۱۹)	رازی: ۱۱/۲۲۴؛ طباطبایی: ۵/۸۵؛ جوادی املی: ۱۳۸۹؛ ش: ۲۰/۵۰۳		طبری: ۵/۱۸۳؛ طبرسی: ۳/۱۷۴		پیروی: طوسی: ۳/۳۳۵؛ بیضاوی: ۲/۹۸؛ مراغی: ۵/۱۶۱
الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ (نساء: ۱۳۹)			طبری: ۵/۲۱۱؛ طوسی: ۳/۳۶۱؛ زمخشری: ۱/۵۷۷؛ طبرسی: ۳/۱۹۳؛ رازی: ۱۱/۲۶۴؛ بیضاوی: ۳/۱۰۳ و ۲/۱۰۳؛ ابن عاشور: ۴/۲۸۳؛ رشید رضا: ۵/۳۷۶؛ مراغی: ۵/۱۸۳؛ جوادی املی: ۷/۱۵۵ و ۲۱/۱۵۴؛ فضل الله: ۷/۵۰۷		

(۱) آیات مربوط به ساختار اتخاذ ولی شامل این موارد است: آل عمران: ۲۸؛ نساء: ۸۹، ۱۱۹، ۱۳۹، ۱۴۴؛ مائده: ۵۱، ۵۷، ۸۱؛ انعام: ۱۴؛ اعراف: ۲۷، ۳۰؛ توبه: ۳۳؛ رعد: ۱۶؛ کهف: ۵۰، ۱۰۲؛ فرقان: ۱۸؛ عنکبوت: ۴۱؛ زمر: ۳؛ شوری: ۹، ۶؛ جاثیه: ۱۰؛ ممتحنه: ۱ و آیات مرتبط با مفهوم «اولی به تصرف» عبارت است از: آل عمران: ۲۸؛ نساء: ۱۱۹، ۱۴۴؛ مائده: ۵۱، ۸۱؛ انعام: ۱۴؛ اعراف: ۲۷، ۳۰؛ توبه: ۲۳؛ رعد: ۱۶؛ کهف: ۵۰، ۱۰۲؛ فرقان: ۱۸؛ عنکبوت: ۴۱؛ شوری: ۹، ۶؛ ممتحنه: ۱ و آیات مربوط به جایگاه «متولی امور» بودن عبارتند از: نساء: ۸۹؛ اعراف: ۳۰؛ توبه: ۳۳؛ کهف: ۵۰، ۱۰۲؛ فرقان: ۱۸؛ عنکبوت: ۴۱؛ زمر: ۳؛ شوری: ۹، ۶؛ جاثیه: ۱ و آیاتی که به مفهوم «نصرت» و «یاری‌رسانی» دلالت دارند آیات: آل عمران: ۲۸؛ نساء: ۸۹، ۱۱۹، ۱۳۹، ۱۴۴؛ مائده: ۵۱، ۵۷، ۸۱؛ انعام: ۱۴؛ اعراف: ۲۷، ۳۰؛ توبه: ۳۳؛ رعد: ۱۶؛ کهف: ۵۰، ۱۰۲؛ عنکبوت: ۴۱؛ شوری: ۹؛ ممتحنه: ۱ است و آیات مربوط به «محبت و علاقه»، آیات: آل عمران: ۲۸؛ مائده: ۵۱، ۸۱؛ اعراف: ۲۷ است و آیات مرتبط با مفهوم پیروی و تابع عبارت است از: نساء: ۱۱۹؛ فرقان: ۱۸.

جدول شماره ۳: دیدگاه مفسران در باره آیات مشتمل بر ساختار اتخاذ ولی

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ (نساء: ۱۴۴)	بنابرا احتمال اول جوادی املی: ۲۱/۲۱۶		طبری: ۵/۲۱۶؛ طوسی: ۴/۳۶۷؛ زمخشری: ۱/۵۸۰؛ طبرسی: ۳/۱۹۹؛ رازی: ۱۱/۲۵۱ و ۲۵۰؛ بیضاوی: ۲/۱۰۵؛ ابن عاشور: ۴/۲۹۱؛ رشید رضا: ۵/۲۸۴؛ مراغی: ۵/۱۸۹؛ برمبنای احتمال دوم جوادی املی: ۲۱/۲۱۶؛ فضل الله: ۷/۵۲۰		
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ (مانده: ۵۱)	بنابرا احتمال اول جوادی املی: ۲۳/۳۳		طبری: ۶/۱۷۶؛ طوسی: ۴/۵۵۰؛ زمخشری: ۱/۶۴۲؛ طبرسی: ۳/۳۱۹؛ رازی: ۱۲/۳۷۵؛ بیضاوی: ۲/۱۳۰؛ سمین حلی: ۴/۲۹۹؛ ابن عاشور: ۵/۱۳۰ و ۱۲۹؛ رشیدرضا: ۶/۳۵؛ طباطبایی: ۵/۳۶۹ و ۳۶۸؛ مراغی: ۶/۱۳۶؛ بنا بر احتمال دوم جوادی املی: ۸/۲۱۴؛ فضل الله: ۲۳/۳۳	بنابرا احتمال سوم جوادی املی: ۲۳/۳۳	
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُواً وَلَعْنًا مِنَ الَّذِينَ آتَوْا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ (مانده: ۵۷)			طبری: ۶/۱۸۷؛ طوسی: ۳/۵۶۷؛ زمخشری: ۱/۶۵۰؛ طبرسی: ۳/۳۲۸؛ رازی: ۱۲/۳۸۷؛ بیضاوی: ۲/۱۳۳؛ ابن عاشور: ۵/۱۳۹؛ رشید رضا: ۶/۳۶۷؛ طباطبایی: ۶/۲۷؛ مراغی: ۶/۱۴۵؛ جوادی املی: ۲۳/۳۳؛ فضل الله: ۲۳/۳۳ و ۲۳۵		
وَ لَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَ النَّبِيِّ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ (مانده: ۸۱)	بنابرا احتمال اول جوادی املی: ۲۳/۴۱۶		طبری: ۶/۲۰۷؛ زمخشری: ۱/۶۶۷؛ طبرسی: ۳/۳۵۸؛ رازی: ۱۲/۴۱۳؛ ابن عاشور: ۵/۱۸۲؛ رشید رضا: ۶/۴۰۸؛ طباطبایی: ۶/۷۹؛ مراغی: ۶/۱۷۳؛ بنابرا احتمال دوم جوادی املی: ۲۳/۴۱۶	بنابرا احتمال سوم جوادی املی: ۲۳/۴۱۶	

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
قُلْ أَغْبِرَ اللَّهُ أَتَّخِذُ وَلِيًّا (انعام: ۱۴)	طبری: ۷/۱۰۱؛ طوسی: ۴/۸۹: مخشسری: ۲/۹؛ طبری: ۴/۴۳۳؛ رازی: ۱۲/۴۹۱؛ بیضاوی: ۲/۱۵۶؛ ابن عاشور: ۶/۳۸ و ۳۷؛ سمین حلبی: ۴/۵۴۴؛ رشید رضا: ۷/۲۷۶؛ طباطبایی: ۷/۳۰؛ مراغی: ۷/۸۸؛ جوادی املی: ۲۴/۲۹: فضل الله: ۹/۴۶		بنابرا احتمال دوم رشید رضا: ۷/۲۷۶		
إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (اعراف: ۲۷)	زمخشسری: ۲/۹۸؛ رازی: ۱۴/۲۲۴؛ بیضاوی: ۳/۱۰؛ طباطبایی: ۷/۸۱؛ مراغی: ۸/۱۲۷ و ۸/۱۲۸؛ جوادی املی: ۲۸/۳۶۶؛ فضل الله: ۱۰/۷۴		طبری: ۸/۱۱۴؛ طوسی: ۴/۳۸۱؛ طبری: ۴/۶۳۳	ابن عاشور: ۸/۶۳	
إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (اعراف: ۳۰)	طبری: ۴/۶۳۵؛ رازی: ۱۴/۲۲۸؛ ابن عاشور: ۸/۷۱ و ۷۰؛ رشید رضا: ۸/۳۳۱؛ طباطبایی: ۸/۷۶؛ مراغی: ۸/۱۳۰؛ جوادی املی: ۲۸/۴۲۷ و ۲۶/۴۲۶؛ فضل الله: ۱۰/۷۷	زمخشسری: ۲/۱۰۰	طبری: ۸/۱۱۸؛ طوسی: ۴/۳۸۵		
يَأْيُهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ (توبه: ۲۳)	جوادی املی: ۳۳/۴۱۴	بنابرا احتمال اول طوسی: ۵/۱۹۵	طبری: ۱۰/۶۹؛ برمبنای احتمال دوم طوسی: ۵/۱۹۵؛ زمخشسری: ۲/۲۵۷؛ طبری: ۵/۲۵ رازی: ۱۶/۱۷؛ بیضاوی: ۳/۷۶ و ۷۵؛ ابن عاشور: ۱۰/۵۴ و ۱۰/۵۵؛ رضا: ۱۰/۲۰۱؛ طباطبایی: ۹/۲۰۷ و ۹/۲۰۶؛ مراغی: ۱۰/۸۱ و ۸۰؛ فضل الله: ۱۱/۶۲ و ۱۱/۶۱		

سال نهم

شماره دوم

پیاپی: ۱۷

پاییز و زمستان

۱۴۰۴

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
قُلْ أَفَاتَخَذْتُم مِّنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ (رعد: ۱۶)	طبری: ۱۳/۸۸؛ طوسی: ۶/۲۳۶؛ زمخشری: ۲/۵۲۲؛ طبرسی: ۶/۴۳۷؛ رازی: ۱۹/۲۶؛ بیضاوی: ۳/۱۸۴؛ ابن عاشور: ۱۲/۱۶۳؛ طباطبایی: ۱۱/۳۲۵ و ۳۲۴؛ مراغی: ۱۳/۸۵؛ جوادی آملی: ۴۲/۲۳۲؛ فضل الله: ۱۳/۳۶				
أَفَتَخَذُونَهُ وَ دُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي (كهف: ۵۰)	بنابرا احتمال اول جوادی آملی: ۵۲/۹۴	طبری: ۱۵/۱۷۱؛ زمخشری: ۲/۷۲۷؛ طبرسی: ۶/۷۳۴؛ رازی: ۲۱/۴۷۲؛ بیضاوی: ۳/۲۸۴؛ ابن عاشور: ۱۵/۸۴؛ طباطبایی: ۱۳/۳۲۵؛ مراغی: ۱۵/۶۲؛ بنابرا احتمال دوم جوادی آملی: ۵۲/۹۴؛ فضل الله: ۱۴/۳۴۵	طوسی: ۷/۵۷ بنابرا احتمال سوم جوادی آملی: ۵۲/۹۴		
أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ (كهف: ۱۰۲)	جوادی آملی: ۵۲/۵۰۲	طبری: ۱۶/۳۶؛ زمخشری: ۲/۷۴۹؛ رازی: ۲۱/۵۰۱؛ بیضاوی: ۳/۲۹۴؛ مراغی: ۱۶/۲۳	طوسی: ۷/۹۷؛ طبرسی: ۶/۷۶۷؛ ابن عاشور: ۱۵/۱۴۰؛ طباطبایی: ۱۳/۳۶۷؛ فضل الله: ۱۴/۳۹۳		
قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ (فرقان: ۱۸)	طبری: ۱۸/۱۴۲؛ طبرسی: ۷/۲۵۸ و ۲۵۷؛ بیضاوی: ۴/۱۲۰؛ طباطبایی: ۱۵/۱۹۱؛ مراغی: ۱۸/۱۵۹؛ جوادی آملی: ۶۱/۴۹۹؛ فضل الله: ۱۷/۲۷	زمخشری: ۳/۲۷۰؛ رازی: ۲۴/۴۴۲			تایخ: طوسی: ۷/۴۷۸؛ ابن عاشور: ۱۹/۲۷
مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ (عنكبوت: ۴۱)	جوادی آملی: ۶۳/۷۰۴	زمخشری: ۳/۴۵۵؛ رازی: ۲۵/۵۸؛ بیضاوی: ۴/۱۹۵؛ ابن عاشور: ۲۰/۱۷۲؛ طباطبایی: ۱۶/۱۳۱؛ مراغی: ۲۰/۱۴۳؛ فضل الله: ۱۸/۵۶	طبری: ۲۰/۹۷؛ طوسی: ۸/۴۴۶ و ۸/۲۱۱		
وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى (زمر: ۳)		طبری: ۲۳/۱۲۲؛ طوسی: ۹/۵؛ زمخشری: ۴/۱۱۰؛ طبرسی: ۸/۷۶۲؛ رازی: ۲۶/۴۲۱؛ بیضاوی: ۵/۳۶؛ ابن عاشور: ۲۴/۱۰؛ طباطبایی: ۱۷/۲۳۴؛ مراغی: ۲۳/۱۴۳؛ فضل الله: ۱۹/۲۹۷ و ۲۹۶			

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
و الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ (شوری: ۶)	جوادی املی، شوری: ۶	طبری: ۲۵/۶؛ طوسی: ۹/۱۴۴؛ زمخشری: ۴/۲۱۰؛ طبرسی: ۹/۳۳؛ رازی: ۲۷/۵۷۹؛ بیضاوی: ۵/۷۷؛ طباطبائی: ۱۸/۱۲؛ مراغی: ۲۵/۱۶؛ فضل الله: ۲۰/۱۴۴			
أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَإِنَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ (شوری: ۹)	طوسی: ۹/۱۴۶؛ زمخشری: ۴/۲۱۱؛ طبرسی: ۹/۳۴؛ رازی: ۲۷/۵۸۱؛ بیضاوی: ۵/۷۷؛ سمین حلی: ۹/۵۴۲؛ عاشور: ۲۵/۱۱۰؛ طباطبائی: ۱۸/۲۲؛ جوادی املی، شوری: ۹؛ فضل الله: ۲۰/۱۵۱	طبری: ۲۵/۸؛ زمخشری: ۴/۲۱۱؛ زمخشری: ۹/۳۴؛ بیضاوی: ۵/۷۷؛ سمین حلی: ۹/۵۴۲؛ عاشور: ۲۵/۱۱۰؛ طباطبائی: ۱۸/۲۲؛ جوادی املی، شوری: ۹؛ فضل الله: ۲۰/۱۵۱	بنابرا احتمال دوم طوسی: ۹/۱۴۶؛ مراغی: ۲۵/۲۰؛ بنابرا احتمال دوم فضل الله: ۲۰/۱۵۱		
و لَأَمَّا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ (جاثیه: ۱۰)		طبری: ۲۵/۸۶؛ طوسی: ۹/۲۵۰؛ زمخشری: ۴/۲۷۸؛ طبرسی: ۹/۱۱۰؛ رازی: ۲۷/۶۷۲؛ بیضاوی: ۵/۱۰۶؛ ابن عاشور: ۲۵/۳۵۵؛ مراغی: ۲۵/۱۴۵؛ فضل الله: ۲۰/۳۱۰			
يَأْيُهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ (ممتحنه: ۱)	جوادی املی: ممتحنه: ۱	طبری: ۲۸/۳۷؛ طوسی: ۹/۵۷۶؛ زمخشری: ۴/۵۱۱؛ رازی: ۲۹/۵۱۶؛ بیضاوی: ۵/۲۰۴؛ ابن عاشور: ۲۸/۱۱۹؛ مراغی: ۲۸/۶۲؛ فضل الله: ۲۲/۱۴۵			

## تحلیل ساختار

ساختار «اتخاذ ولی» ساختاری دستوری و تشریحی است و آیات مذکور به دو دسته تقسیم می‌شود: (۱) کسانی که نباید در مقام ولی برگزیده شوند: کافران، پدران و برادران، غیر خدا، ابلیس، دشمنان خدا و مؤمنان؛ (۲) کسانی که باید در مقام ولی پذیرفته شوند: خداوند.

(۱) آیات مرتبط با عدم اتخاذ کافران با عنوان ولی عبارت است از: آل عمران ۲۸؛ نساء ۱۳۹ و ۱۴۴؛ مائده ۸۱؛ کهف ۱۰۲، منافقان: نساء ۸۹؛ شیطان: نساء ۱۱۹؛ اعراف ۲۷ و ۳۰؛ یهود و نصاری: مائده ۵۱؛ اهل کتاب و کفار: مائده ۵۷. و آیه مرتبط با عدم اتخاذ پدر و برادران با عنوان ولی، آیه ۲۳ از سوره توبه است. و آیاتی که به عدم اتخاذ غیر خدا با عنوان «ولی» اشاره دارند، این موارد است: رعد ۱۶؛ فرقان ۱۸؛ عنکبوت ۴۱؛ زمر ۳؛ شوری ۶ و ۹؛ جاثیه ۱۰. و آیه ۵۰ از سوره کهف به عدم اتخاذ شیطان با عنوان ولی پرداخته است. و تنها آیه‌ای که به عدم اتخاذ دشمنان خدا و مؤمنان با عنوان «ولی» پرداخته است آیه ۱ از سوره ممتحنه است.

(۲) انعام: ۱۴.

در این آیات، قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد عدم اتخاذ کافران باعنوان «ولی»، به معنای عدم نصرت و محبت نیست؛ برای مثال، در آیه «وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» (نساء: ۸۹)، تقابل بین «ولی» و «نصیر» اقتضا دارد که ولایت و نصرت مفاهیم مرتبط، ولی متفاوت هستند.

«ولی» به معنای متولی امور و مسئولیت‌پذیری کامل در قبال «مولی‌علیه» است؛ مشابه نقشی که پدر نسبت به کودک ایفا می‌کند. در مقابل، «ناصر» به معنای کسی است که تنها بخشی از مسئولیت‌ها را به عهده می‌گیرد؛ همچون پدر نسبت به فرزند نوجوان که نقش حمایتی دارد؛ ولی مسئولیت‌های کامل را بر عهده نمی‌گیرد (جوادی آملی: ۵۴۰/۳۹).

یکی از قرائن در آیات که نشان می‌دهد عدم انتخاب غیر خدا باعنوان «ولی» به معنای پرستش آنها است و با مفهوم «متولی امور» هماهنگ است، تقابل بین «الله» و «دون الله» است؛ برای مثال، در آیات ۳۰ سوره اعراف؛ ۱۴ سوره رعد و ۵۰ و ۱۰۲ سوره کهف، انتخاب غیر خدا باعنوان «ولی» به معنای پرستش آنها و نه «نصرت» و «محبت» است؛ همچنین آیه ۳ سوره زمر نشان می‌دهد که انتخاب غیر خدا باعنوان «ولی» به معنای پرستش آنها باعنوان «شفیع» نزد خدا است؛ همچنین در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ» (ممتحنه: ۱)، دو احتمال تفسیری مطرح است. نخست، عبارت «تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ» می‌تواند به معنای ابراز محبت تلقی شده و توضیحی برای عبارت «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ» تفسیر شود؛ باین حال، مفسران عمدتاً این احتمال را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند و بیشتر معنای نصرت و یاری را برای «تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ» ترجیح داده‌اند (طبری: ۳۷/۲۸)؛ باین حال، این تفسیر نیز به دلیل ناهماهنگی با معنای اصلی واژه «ولی» جای بحث دارد.

دومین احتمال آن است که «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ» به معنای نفی پذیرش دشمن خدا و خود باعنوان «ولی» باشد. در این صورت، عبارت مذکور بر نهی از اتخاذ دشمنان باعنوان «متولی امور» دلالت دارد و محبت و کمک به آنها اثر و نتیجه این نهی قلمداد می‌شود. این برداشت با ساختار و سیاق آیه انسجام بیشتری دارد و بر عدم پذیرش دشمنان در جایگاه سرپرست و مدیر امور تأکید می‌کند؛ علاوه بر این قرائن لفظی، شواهد قوی‌تری وجود دارد که بر ظهور واژه «ولی» در معنای ولایت و سرپرستی دلالت دارد و آن را از معنای نصرت و محبت متمایز می‌سازد؛ براین اساس، اگر «ولی» در معنای نصرت یا محبت گرفته شود، این برداشت با معنای اصلی و غالب واژه ناسازگار خواهد بود؛ در نتیجه، تفسیری که «ولی» را به معنای متولی امور و سرپرست لحاظ می‌کند با قرائن زبانی و مفهومی هماهنگ‌تر است و بر مفسران لازم است دلایل کافی برای خروج از معنای اصلی واژه ارائه دهند.

(۱) طوسی: ۵۷۶/۹؛ زمخشری: ۵۱۱/۴؛ طبرسی: ۴۰۵/۹؛ بیضاوی: ۲۰۴/۵؛ ابن عاشور: ۱۱۹/۲۸؛ مراغی: ۶۲/۲۸؛ فضل‌الله: ۱۴۵/۲۲.

و در نهایت بر اساس قرائن عقلی، خداوند در آیات مختلف، تصریح فرموده است که اتخاذ برخی افراد با عنوان «ولی»، مانند شیطان و غیر خداوند، ممنوع است. در این سیاق، واژه «ولی» به معنای پرستش و پذیرش سلطه است. در مورد کافران، از جمله یهود و نصارا، نمی توان عدم اتخاذ آن‌ها برای «ولی» را به معنای منع مطلق یاری و نصرت دانست. کمک به کافران از باب انسانیت جایز است، اما محبت به آن‌ها به دلیل کفر و انحراف‌شان غیر قابل قبول است؛ به همین دلیل، پذیرش یهود و نصارا با عنوان متولی امور مسلمانان از منظر شریعت نادرست محسوب می‌شود؛ در نتیجه، با تکیه بر قرائن عقلی و دلالت‌های لفظی موجود در این آیات، روشن است که مفهوم «ولی» در این موارد به معنای متولی امور و پذیرش سرپرستی است و از مفاهیمی چون یاری یا محبت صرف فراتر می‌رود.

#### ۴-۱. ساختار تولی

**گزارش یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق درباره آیات مرتبط با این ساختار و دیدگاه‌های مفسران درباره معنای ولایت در جدول شماره (۴) منعکس شده است. گزارش گذرای آیات مرتبط با این ساختار، گویای آن است که در مجموع ۱۲ آیه با این ساختار مرتبط است. و مفسران این زمینه، معانی مختلفی را بیان کرده‌اند؛ از جمله «اولی به تصرف» در ۷ آیه، «متولی امور» در ۴ آیه، «نصرت» در ۱۰ آیه، «محبت» در ۲ آیه و «هم‌پیمان، پیروی کردن و تبری» در ۴ آیه.<sup>۱</sup>

جدول شماره ۴: دیدگاه مفسران در باره آیات مشتمل بر ساختار تولی

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فإِنَّهُمْ مِنَّمْهُمْ (مائده: ۵۱)	جوادی املی: ۲۳/۴۴		طبری: ۱۷۷/۶، طوسی: ۳/۵۵۰، زمخشری: ۱/۶۴۲، طبرسی: ۳/۳۱۹، رازی: ۳/۱۲۳، بیضاوی: ۲/۱۳۰، ابن عاشور: ۵/۱۳۰، جوادی املی: ۲۲/۴۲، فضل الله: ۸/۲۱۸، مراغی: ۶/۱۳۶	طباطبایی: ۵/۳۶۹-۳۷۱، بنا بر احتمال دوم: جوادی املی: ۲۲/۴۲	هم پیمان‌رشدی: ۶/۳۵۰
وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (مائده: ۵۶)	طوسی: ۳/۵۶۵، طبر: سی: ۳/۲۲۷، طباطب ای: ۶/۱۵، جوادی املی: ۲۳/۱۵۳		طبری: ۶/۱۸۷، زمخشری: ۱/۶۴۹، بیضاوی: ۲/۱۲۲، مراغی: ۶/۱۴۴، فضل الله: ۸/۲۲۹		پیروی کردن‌رشدی: ۶/۳۶۶، احتمال دوم: مراغی: ۶/۱۴۴

(۱) آیات مرتبط با ساختار «تولی» عبارت است از: مائده: ۵۱، ۵۶، ۸۰، اعراف: ۳، ۱۹۶؛ توبه: ۲۳؛ نحل: ۱۰۰؛ حج: ۴؛ نور: ۱۱؛ مجادله: ۱۴؛ ممتحنه: ۹، ۱۳. و آیاتی که به مفهوم «اولی به تصرف» اشاره دارند عبارت است از: مائده: ۵۱، ۵۶، ۸۰؛ اعراف: ۳؛ توبه: ۲۳؛ مجادله: ۱۴؛ ممتحنه: ۹. و آیات مرتبط با مفهوم «متولی امور» بودن عبارت است از: اعراف: ۳، ۱۹۶؛ نحل: ۱۰۰؛ نور: ۱۱. و آیاتی که معنای نصرت را بیان می‌کنند: مائده: ۵۱، ۵۶، ۸۰؛ اعراف: ۳، ۱۹۶؛ توبه: ۳۳؛ حج: ۴؛ مجادله: ۱۴؛ ممتحنه: ۹، ۱۳ است. و آیات مرتبط با «محبت» و «دوستی» در سوره مائده: ۵۱، ۸۰ آمده است. و آیاتی که به «هم‌پیمانی»، «پیروی» و «تبری» دلالت دارند، عبارت است از: مائده: ۵۱، ۵۶؛ حج: ۴؛ ممتحنه: ۱۳.

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
تَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيَسَّ مَا قَدَّمْتَ لَهُمْ أَنفُسَهُمْ أَن سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ (مائده: ۸۰)	بنابرا احتمال اول جوادی أملی: ۲۳/۴۱۳		طبری: ۶/۲۰۶، طوسی: ۱/۳۶۱، زمخشری: ۱/۲۳۵ ۲/۳۵، ۸ رازی: ۲/۴۱۲، بیض اوی: ۲/۱۳۹، ابن عاش ور: ۵/۱۸۲، رشیدرضا: ۶/۴۰۷، طباطبایی: ۶/ ۷۸، مراغی: ۶/۱۷۲، بنا براحتمال دوم جوادی أملی: ۲۳/۴۱۳، فضل الله: ۸/۲۹۲	بنابرا احتمال سوم جوادی أملی: ۲۳/۴۱۳	
و لَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (اعراف: ۳)	برمیثای احتمال دوم طوسی: ۴/۳۴۴؛ طباطبایی: ۸/۸؛ جوادی أملی: ۲۸/۸۷؛ فضل الله: ۱۰/۱۶	طبری: ۸/۸۶؛ زمخشری: ۲/۸۶؛ طبریسی: ۴/۶۱۱؛ رازی: ۱۴/۱۹۷؛ بیضاوی: ۳/۵؛ رشید رضا: ۸/۲۷۲؛ مراغی: ۸/۱۰۰	بنابرا احتمال اول طوسی: ۴/۳۴۴		
إِنَّ وَلِيَ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ (اعراف: ۱۹۶)		طبری: ۹/۱۰۳، رازی: ۱۵/۴۳۳، بیضاوی: ۳/۴۶، ابن عاشور: ۸/۳۹۷، بنا بر احتمال اول مراغی: ۹/۱۴۵، جوادی أملی: ۳۱/۵۴۲	طوسی: ۵/۶۰، زمخشر ی: ۲/۱۸۹، طبریسی: ۴/ ۷۸۶، رشیدرضا: ۹/۴۰ ۴۲، طباطبایی: ۸/۳۷۷، مراغی: ۹/۱۴۵، فضل الله: ۱۰/۳۰۷، ۳۰۸		
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ءَابَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِن اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ مَن يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ (توبه: ۲۳)	جوادی أملی: ۳۳/۴۱۶		طبری: ۹/۱۰۶، ط وسی: ۵/۱۹۵، زمخشر ی: ۲/۲۵۷، طبریسی: ۵/ ۲۵، رازی: ۱۶/۱۷، بیض اوی: ۲/۷۶، ابن عاشو ر: ۱۰/۵۵۵، رشیدرضا: ۱۰/۲۰۲، طباطبایی: ۹/ ۲۰۷، مراغی: ۱۰/۸۱، ف ضل الله: ۱۱/۶۲		
إِنَّمَا سُلْطَنَةٌ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَ الَّذِينَ هُم بِه مَشْرُكُونَ (نحل: ۱۰۰)		طبری: ۱۴/۱۱۶، ط وسی: ۶/۴۲۵، زمخ شری: ۲/۶۳۴، طبر سی: ۵/۹۳، رازی ۲۰/۲۶۹، بیضاوی ۱۰/۲۴۰، ابن عاشو ر: ۱۳/۲۲۵، طباطبا یی: ۱۲/۳۴۴، مراغ ی: ۱۴/۱۴۰، جوادی أملی: ۴۷/۳۷۶، فضل الله: ۱۳/۲۹۹			

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
كَبَّ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يَضِلُّهُ (حج: ۴)			ابن عاشور: ۱۷/۱۴۱؛		پیروی کردن: طبری: ۱۷/۸۹؛ طوسی: ۷/۲۹۰؛ زمخشری: ۳/۱۴۳؛ طبرسی: ۷/۱۱۳؛ رازی: ۲۳/۲۰۲؛ بیضاوی: ۴/۶۴؛ طباطبایی: ۱۴/۳۴۳؛ ۱۷/۸۶؛ جوادی آملی: ۵۷/۳۲۲؛ فضل الله: ۱۶/۱۵
وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (نور: ۱۱)		جوادی آملی: ۵۹/۴۶۵			
أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ (مجادله: ۱۴)	بنابراحتمال اول جوادی آملی: مجادله: ۱۴/جلسه ۱۷		طبری: ۲۸/۱۶؛ طوسی: ۹/۵۵۲؛ زمخشری: ۴/۴۹۵؛ طبرسی: ۹/۳۸۰؛ رازی: ۲۹/۴۹۷؛ بیضاوی: ۵/۱۹۶؛ ابن عاشور: ۲۸/۴۳؛ طباطبایی: ۱۹/۱۹۳؛ مراغی: ۲۸/۲۲؛ بنابراحتمال دوم جوادی آملی: مجادله: ۱۴/جلسه ۱۷؛ فضل الله: ۲۲/۸۱		
إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (ممتحنه: ۹)	جوادی آملی: جلسه ۵/ ممتحنه ۹		ان تولوهم ويتولهم: ط بری: ۲۸/۴۴؛ طوسی: ۹/۵۸۳؛ زمخشری: ۴/ ۵۱۶؛ طبرسی: ۹/۴۰؛ رازی: ۲۹/۵۲۱؛ بی ضاوی: ۵/۲۰۶؛ سمین حلی: ۱۰/۳۰۶؛ ابن عاشور: ۸/۱۳۷؛ طباطبایی: ۱۹/۲۳۴؛ مراغی: ۲۸/۷۰؛ جوادی آملی: جلسه ۵/ ممتحنه ۹؛ فضل الله: ۲۲/۱۵۷		
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ (ممتحنه: ۱۳)			طوسی: ۹/۵۸۹؛ طبرسی: ۹/۴۱۵؛ رازی: ۴/۵۲۱؛ بیضاوی: ۵/۲۰۷؛ ابن عاشور: ۲۸/۱۵۱؛ طباطبایی: ۱۹/۲۴۳؛ مراغی: ۲۸/۷۶؛ فضل الله: ۲۲/۱۷۲		تبری: جوادی آملی: ممتحنه: ۱۳/ جلسه ۷

## تحلیل ساختار

آیات مرتبط با ساختار «تولی» را می‌توان به دودسته کلی تقسیم کرد:

۱) افرادی که نباید با عنوان متولی پذیرفته شوند: این گروه شامل یهود و نصارا، کافران، غیر خداوند، ابلیس و مشرکان است.<sup>۱</sup>

۲) افرادی که باید با عنوان متولی پذیرفته شوند: این گروه شامل خداوند، پیامبر اکرم و مؤمنان می‌شود.<sup>۲</sup> همچنین آیه ۱۹۶ سوره اعراف به ولایت تکوینی اشاره دارد که دلالت بر آن دارد که خداوند به واسطه رحمت رحیمیه خود «متولی امور» است. در این موارد، ولایت به معنای «نصرت» نیست؛ امری که پیش‌تر در بررسی ساختار «اتخاذ ولی» تبیین شد؛ به‌طور کلی، ساختار «تولی» که از باب تفاعل است، مشابه ساختار «اتخاذ ولی» به گزاره‌های مرتبط با پذیرش ولایت اشاره دارد. در این ساختار، مفهوم «تولی» تصریحی بر پذیرش ولایت دارد، بدون اینکه موضوع «اتخاذ ولی» مستقیماً مورد بحث باشد. دلیل بر اینکه «ولی» در این آیات به معنای «متولی امور» است، از دو جهت قابل استدلال است:

**دلیل نخست:** واژه «تولی» ذاتاً بر متولی بودن دلالت دارد. هرگونه برداشت دیگر از این واژه نیازمند دلایل قوی و استوار است.

**دلیل دوم:** قرینه عقلی بر این نکته تأکید دارد که انسان می‌تواند با کافران در زمینه‌های علمی و زندگی، قراردادهای تعاملاتی داشته باشد و حتی بر اساس انسانیت به آن‌ها محبت ورزد؛ اما نباید آن‌ها را با عنوان متولی امور خود بپذیرد یا به دلیل کفرشان مورد محبت قرار دهد. این موضوع به‌طور شفاف در آیه ۲۳ سوره توبه بیان شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ» که به ممنوعیت ولایت‌پذیری از افراد نزدیک در صورت تعارض با اصول ایمان اشاره دارد.

### ۵-۱. ساختار تولیه

**گزارش یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق درباره آیات مرتبط با این ساختار و نظرات مفسران درباره معنای ولایت در جدول شماره (۵)، نمایش داده شده است. گزارش گذرای آیات مرتبط با این ساختار بدین ترتیب است: در مجموع، ۲ آیه ذیل این ساختار قرار می‌گیرد و مفسران در این سیاق، معانی مختلفی برای «ولی» ذکر کرده‌اند؛ از جمله «متولی امور» در ۲ آیه، «نصرت» در ۲ آیه و «واگذار کردن» و «قرین» نیز در ۲ آیه، آمده است.<sup>۳</sup>

۱) آیاتی که به عدم پذیرش تولی یهود و نصاری اشاره دارند، عبارت است از: مائده: ۵۱؛ مجادله: ۱۴؛ ممتحنه: ۱۳. و آیاتی که بیانگر عدم پذیرش تولی کافران است، مانند: مائده: ۸۰ و توبه: ۲۳ و آیه ۳ سوره اعراف به عدم پذیرش غیرخدا با عنوان متولی اشاره دارد. و آیاتی که به عدم پذیرش تولی ابلیس اشاره دارند، عبارت است از: نحل: ۱۰۰ و حج: ۴؛ همچنین آیه‌ای که بیانگر عدم تولی مشرکان است از این قرار است: ممتحنه: ۹.

۲) مائده: ۵۶.

۳) آیات مرتبط با ساختار تولیه و معانی مرتبط با متولی امور، نصرت و واگذار کردن و قرین عبارت است از: نساء: ۱۱۵؛ انعام: ۱۲۹.

### جدول شماره ۵: دیدگاه مفسران در باره آیات مشتمل بر ساختار تولیه

ایه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَ نُضَلِّهِ جَهَنَّمَ (نساء: ۱۱۵)		زمخشری: ۱/۵۶۵، بیضاوی: ۲/۹۷، دی: ۲۰/۴۵۴.	طبری: ۵/۱۷۸، طو سی: ۳/۳۲۸، طباطبا یی: ۵/۸۳.		نولی: واگذار کردن: طبرسی: ۳/۱۶۹، رهاکردن: رازی: ۱۱/۲۱۹، ابن عاشور: ۴/۲۵۵، رشیدرضا: ۵/۳۳۸، مراغی: ۵/۱۵۵، نولی: قرب: فضل الله: ۷/۴۶۱
وَ كَذَلِكَ نُؤَلِّىُ بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (انعام: ۱۲۹)		طبری: ۸/۲۶، طوسی: ۴/۲۷۵، طبرسی: ۴/۵۶۵، بیضاوی: ۲/۱۸۲، سمین حلبی: ۵/۱۵۳، ابن عاشور: ۷/۵۶، طباطبایی: ۷/۳۵۳، جوادی املی: ۲۷/۱۷۱، فضل الله: ۹/۳۲۹.	رازی: ۱۳/۱۴۹، رش یدرضا: ۸/۸۸، مرا غی: ۸/۳۱.		قرین: زمخشری: ۲/۶۶.

### تحلیل ساختار

ساختار «تولیه» که از باب تفعیل است، دلالت بر این دارد که خداوند برخی افراد را بر برخی دیگر مسلط می‌کند و به آنان در عالم واقع، ولایت تکوینی اعطا می‌نماید. این ساختار با کاربرد واژگانی چون «نُوَلِّهِ» و «تَوَلَّى» در قرآن کریم، مشهود است؛ برای مثال در آیه «وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَ نُضَلِّهِ جَهَنَّمَ» (نساء: ۱۱۵)، عبارت «نُوَلِّهِ»، به وضوح، به معنای تولی امور است. این برداشت با ساختار تفعیل و معنای غالب «تولیه» کاملاً سازگار است؛ از این رو، تفاسیر برخی مفسران که این آیه را به معنای «رهاکردن» یا «نزدیکی» تأویل کرده‌اند (مانند فخر رازی: ۱۱/۲۱۹، ابن عاشور: ۴/۲۵۵، رشیدرضا: ۵/۳۳۸، مراغی: ۵/۱۵۵ و فضل الله: ۷/۴۶۱)، فاقد استدلال کافی و در تضاد با ظاهر آیه است؛ علاوه بر این، بررسی دقیق‌تر ساختار مشابه در آیه ۱۲۹ سوره انعام: «وَ كَذَلِكَ نُؤَلِّىُ بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»، نشان می‌دهد که این ساختار دومفعولی است. بدین معنا که خداوند فردی را که شخصی دیگر او را ولی خود قرار داده است، بر وی مسلط می‌کند و عاقبت چنین ارتباطی به هلاکت و دوزخ منتهی خواهد شد؛ بنابراین، برداشت‌هایی نظیر «رهاکردن» یا «قرب» در این بافت، معنایی کاملاً نادرست به نظر می‌رسند.

باتوجه به شواهد قرآنی و تحلیل زبانی ارائه شده، در این ساختار، «ولی» به معنای متولی امور و تسلط بر دیگران است و معنای دیگری نظیر «رهاکردن» یا «قرب» در این سیاق جایگاهی ندارد.

## ۶-۱. ساختار اولویت

**گزارش یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق درباره آیات مرتبط با این ساختار و نظرات مفسران درباره معنای ولایت در جدول شماره (۶)، آورده شده است. گزارش گذرای آیات مرتبط با این ساختار حاکی از آن است که در مجموع، ۶ آیه با این ساختار مرتبط است. و مفسران در این سیاق، معانی متعددی برای «ولی» بیان کرده‌اند؛ از جمله «اولی به تصرف» در ۲ آیه، «سزاوارتر» در ۲ آیه، «اولی به میت» در ۱ آیه، «قربت» در ۱ آیه و «اولویت تعیینی در ارث» در ۱ آیه.<sup>۱</sup>

### جدول شماره ۶: دیدگاه مفسران در باره آیات مشتمل بر ساختار اولویت

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا (آل عمران: ۶۸)					اولی: سزاوارتر: طبری: ۳/۲۱۸، طوسی: ۲/۴۹۳، طبرسی: ۲/۷۷۰، ابن عاشور: ۳/۱۲۳، رشیدرضا: ۳/۲۷۲، مراغی: ۳/۱۸۲، فضل الله: ۶/۹۱
					اولی: قرب: زمخشری: ۱/۳۷۱، بیضاوی: ۲/۲۲، بنابرا احتمال اول سمین حلبی: ۳/۲۴۳، طباطبایی: ۳/۲۵۴، ولی: قرب: زمخشری: ۱/۳۷۱، سمین حلبی: ۳/۲۴۳، جوادی آملی: ۱۴/۳۵، ولی: تصرف تکوینی هدایتی بنابرا احتمال دوم فضل الله: ۶/۹۱

(۱) آیات مرتبط با ساختار «اولویت» عبارت است از: آل عمران: ۶۸؛ نساء: ۱۳۵؛ مائده: ۱۰۷؛ انفال: ۷۵؛ مریم: ۷۰؛ احزاب: ۶ و آیاتی که به مفهوم «اولی به تصرف» اشاره دارد شامل سوره‌های نساء: ۱۳۵ و احزاب: ۶ است و آیتی که بر «سزاوارتر بودن» دلالت می‌کند عبارت است از: آل عمران: ۶۸ و مریم: ۷۰. و آیه مرتبط با مفهوم «اولی به میت» در سوره مائده: ۱۰۷ آمده است. و آیه مرتبط با معنای «قربت» در سوره انفال: ۷۵ و آیه‌ای که به «اولویت تعیینی» اشاره دارد در سوره احزاب: ۶ آمده است.

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا (نساء: ۱۳۵)	طبری: ۵/۲۰۶ طوسی: ۳۵۴ و ۳/۳۵۵ زمخشری: ۱/۵۷۵ طبرسی: ۳/۱۹۰ رازی: ۱۱/۲۴۱ بیضاوی: ۲/۱۰۲ سمین حلبی: ۴/۱۱۶ ابن عاشور: ۴/۲۷۷ رشیدرضا: ۵/۳۷۲ طباطبایی: ۵/۱۰۹ مراغی: ۵/۱۷۹ جوادی آملی: ۲۱/۱۰۴، فضل الله: ۷/۵۰۲				
فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِنَّمَا فَآخِرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنْ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأُولِيَانِ (مائده: ۱۰۷)					اولی به میت: طبری: ۷/۷۳ طوسی: ۴/۴۸ سمین حلبی: ۴/۴۷۲ رشیدرضا: ۷/۱۸۳ جوادی آملی: ۲۴/۱۶۶ اقریبای میت: طبرسی: ۳/۴۰۱ رازی: ۱۲/۴۵۵ بیضاوی: ۲/۱۴۷ طباطبایی: ۶/۱۹۸ مراغی: ۷/۵۱ فضل الله: ۸/۳۷۷ اولی به قبول گفتارشان: ابن عاشور: ۵/۲۵۰
وَأَوْلُوا الْأَرْحَامَ بِغَضَبِهِمْ أَوْلَىٰ يَبْغِضُ فِي كِتَابِ اللَّهِ (انفال: ۷۵)					اولوا: قرابت: طبرسی: ۴/۸۶۵ اولی: شایسته: طبری: ۱۰/۴۱ اولی: اولویت تعیینی در ارت: طوسی: ۵/۱۶۶ زمخشری: ۲/۲۴۰ طبرسی: ۴/۸۶۵، رازی: ۱۵/۵۲۰، بیضاوی: ۳/۶۹ اولی: شایسته: سمین حلبی: ۵/۶۴۲

سال نهم

شماره دوم

پیاپی: ۱۷

پاییز و زمستان

۱۴۰۴

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أُولَىٰ بِهَا صَلَاتًا (مریم: ۷۰)					سزاوارتر و شایسته‌تر: طبری: ۱۶/۸۱، طوسی: ۷/۱۴۱، طبرسی: ۶/۸۰۹، بیضاوی: ۴/۱۷، سمین حلّی: ۷/۶۲۴، ابن عاشور: ۱۶/۶۹، طباطبایی: ۱۴/۸۹، مراغی: ۱۶/۷۵، جوادی آملی: ۵۳/۵۳۹، فضل‌الله: ۱۵/۶۸ اولویت: زمخشری: ۳/۳۴ رازی: ۲۱/۵۵۷
الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجَهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ يَعْضُهُمْ أُولَىٰ بَعْضٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ (احزاب: ۶)	اولی: طبری: ۲۱/۷۷، طوسی: ۸/۳۱۷، زمخشری: ۳/۵۲۳، طبرسی: ۸/۵۲۹، رازی: ۲۵/۱۵۷، بیضاوی: ۴/۲۲۵، ابن عاشور: ۲۱/۱۹۳، طباطبایی: ۱۶/۲۷۶، مراغی: ۲۱/۱۳۰، جوادی آملی: جلسه ۴: احزاب ۶				اولوالارحام بعضهم اولی ببعض: اولویت تعیینی در ارت: طبری: ۲۱/۷۷، طوسی: ۸/۳۱۷، زمخشری: ۳/۵۲۳، طبرسی: ۸/۵۲۹، رازی: ۲۵/۱۵۷، بیضاوی: ۴/۲۲۵، سمین حلّی: ۹/۹۶، ابن عاشور: ۲۱/۱۹۴، جوادی آملی: جلسه ۴/ احزاب ۶، فضل الله: ۱۸/۲۶۳.

## تحلیل ساختار

ساختار «اولویت» به بررسی تقدم و ارجحیت ولایت برخی افراد نسبت به دیگران پرداخته و بیان می‌کند که خداوند در موارد خاص، ولایت برخی را بر دیگران مقدم قرار داده است. واژه «اولی» دو مفهوم اصلی دارد: نخست، به معنای تقدم و برتری و دوم، به معنای «اولویت تعیینی»؛ برای مثال، در آیه «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (انفال: ۷۵)، واژه «اولی» به معنای اولویت تعیینی در ارت و حق تصرف به کار رفته است؛ بدین معنا که اگر گروه نخست (صاحبان قرابت) وجود داشته باشند، گروه دوم (مانند موالی) حقی نخواهند داشت و نمی‌توانند در اموال متوفی تصرف کنند.

در تمام آیات مرتبط با این ساختار، واژه «اولی» به همین معنای اولویت تعیینی اشاره دارد. این مفهوم دلالت بر انحصار حق ولایت در افرادی دارد که به‌طور خاص در آیات، معرفی شده‌اند؛ به گونه‌ای که دیگران از این حق محروم هستند؛ بنابراین، «اولی» در این سیاق، به معنای «اولی به تصرف» است و مفهومی متمایز از «متولی امور» دارد.

شایان ذکر است که هیچ‌یک از مفسران قرآن واژه «ولی» را در این موارد، به معنای «متولی امور»، «نصرت» یا «محبت» تفسیر نکرده‌اند، بلکه تفاسیر آنان بر اولویت و تقدم

در حقوق و اختیارات دلالت دارد. این تبیین نه تنها با ظاهر آیات، بلکه با سیاق کلی آنها نیز هماهنگ است.

### ۷-۱. ساختار بعضهم اولیاء بعض

**گزارش یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق درباره آیات مرتبط با این ساختار و دیدگاه مفسران درباره معنای ولایت در جدول شماره (۷)، آمده است. گزارش گذرای آیات مرتبط با این ساختار این است که در مجموع، ۵ آیه مشتمل بر این ساختار است و مفسران در این سیاق، معانی مختلفی برای «ولی» ذکر کرده‌اند؛ از جمله «اولی به تصرف» در آیه «متولی امور» در آیه ۳، «نصرت» در آیه ۵، «محبت» در آیه ۲ و همچنین «اولیاء در ارث»، «ولایت در ارث»، «قرب» و «پیروی کردن» در آیه ۴.<sup>۱</sup>

جدول شماره ۷: دیدگاه مفسران در باره آیات مشتمل بر ساختار بعضهم اولیاء بعض

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ (مائده: ۵۱)	بنابرا احتمال اول جوادی املی: ۲۳/۳۳		طبری: ۶/۱۷۶؛ طوسی: ۳/۵۵۰؛ زمخشری: ۱/۶۴۲؛ طبرسی: ۳/۳۱۹؛ رازی: ۲/۳۷۵؛ بیضاوی: ۲/۱۳۰؛ ابن عاشور: ۱۳۰/۱۲۹۵؛ رشید رضا: ۶/۳۵؛ طباطبایی: ۳۶۸۵/۳۶۹؛ مراغی: ۶/۱۳۶؛ جوادی املی: ۲۳/۳۳؛ فضل الله: ۸/۲۱۴	بنابرا احتمال سوم جوادی املی: ۲۳/۳۳	
وَالَّذِينَ آوَأُوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ (انفال: ۷۲)	بنابرا احتمال اول زمخشری: ۲/۲۳۹	بنابرا احتمال اول زمخشری: ۲/۲۳۹	طبری: ۱۰/۳۶؛ طوسی: ۵/۱۶۲؛ دوم زمخشری: ۴/۲۳۹؛ طبرسی: ۴/۸۶۲؛ رشید رضا: ۱۰/۹۴؛ مراغی: ۱۰/۴۲؛ برمبنای احتمال اول فضل الله: ۱۰/۴۲۹	رازی: ۱۵/۵۱۶	معنی اولیاء در ارث: بیضاوی: ۳/۶۸؛ ابن عاشور: ۹/۱۷۰؛ برمبنای احتمال دوم فضل الله: ۱۰/۴۲۹؛ به معنای نصرت وارث وامن: طباطبایی: ۹/۱۴۱؛ جوادی املی: ۳۳/۱۱۳

(۱) آیات مرتبط با ساختار «بعضهم اولیاء بعض» در سوره‌های مائده: ۵۱؛ انفال: ۷۲ و ۷۳؛ توبه: ۷۱؛ جاثیه: ۱۹. و آیه‌ای که به معنای «اولی به تصرف» اشاره دارند، عبارت است از: مائده: ۵۱. و آیاتی که «متولی امور بودن» را نشان می‌دهد، شامل سوره‌های انفال: ۷۲؛ توبه: ۷۱؛ جاثیه: ۱۹ است. و آیاتی که بر معنای «نصرت» دلالت دارد، در سوره‌های مائده: ۵۱؛ انفال: ۷۲ و ۷۳؛ توبه: ۷۱؛ جاثیه: ۱۹ است. و آیاتی که با معنای «محبت» ارتباط دارد، از این قرار است: مائده: ۵۱ و انفال: ۷۲. و آیاتی که به مفاهیم «ولایت در ارث»، «اولیاء در ارث»، «قرب» و «پیروی اشاره دارد، شامل سوره‌های انفال: ۷۲ و ۷۳؛ توبه: ۷۱؛ جاثیه: ۱۹ است.

آیه	اولی به تصرف	متولی امور	نصرت	محبت	معانی دیگر
و الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ (انفال: ۷۳)			طبری: ۱۰/۳۹؛ برمبنای احتمال دوم طوسی: ۵/۱۶۳؛ زمخشری: ۲/۲۴۰؛ برمبنای احتمال اول طبری: ۴/۸۶۴؛ رازی: ۱۵/۵۱۸؛ سمین حلبی: ۵/۶۴۱ این عاشور: ۹/۱۷۲؛ مراغی: ۱۰/۴۴ و ۴۳؛ جوادی أملی: ۳۳/۱۳۴؛ فضل الله: ۴۳۱ و ۱۰/۴۳۲		معنای ولایت درارت: برمبنای احتمال اول طوسی: ۵/۱۶۳؛ برمبنای احتمال دوم طبری: ۴/۸۶۴؛ بیضاوی: ۳/۶۸
و الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ (توبه: ۷۱)		طباطبایی: ۹/۳۳۸ فضل الله: ۱۱/۱۶۱	طبری: ۱۰/۱۲۳؛ طوسی: ۵/۲۵۷؛ طبری: ۵/۷۶؛ این عاشور: ۱۰/۱۵۲ و ۱۵۱؛ رشید رضا: ۱۰/۴۶۶؛ مراغی: ۱۰/۱۵۹؛ برمبنای احتمال سوم جوادی أملی: ۳۴/۴۹۲		به معنای قرب: رازی: ۱۶/۱۰۰ به معنای ولی ومحب: جوادی أملی: ۳۴/۴۹۲
وَ إِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ (جاثیه: ۱۹)		بنابر احتمال دوم جوادی أملی، جاثیه: ۱۹	طبری: ۲۵/۸۹؛ طبری: ۹/۱۱۴؛ زمخشری: ۴/۲۸۹؛ رازی: ۲۷/۶۷۵؛ بیضاوی: ۵/۱۰۷؛ مراغی: ۲۵/۱۵۲؛ برمبنای احتمال اول جوادی أملی، جاثیه: ۱۹؛ فضل الله: ۲۰/۳۲۱		پیروی کردن: این عاشور: ۲۵/۳۶۷

## تحلیل ساختار

ساختار «بعضهم اولیاء بعض»، برخلاف ساختار «اولویت»، به مواردی اشاره دارد که در آن تساوی و تقابل متقابل در روابط ولایی میان گروه‌ها برقرار است. این ساختار نشان می‌دهد که هر دو گروه به‌طور هم‌زمان از یکدیگر ولایت می‌پذیرند و بر یکدیگر ولایت اعمال می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که هر دو طرف می‌توانند در نقش «ولی» و «مولی‌علیه» عمل کنند، بدون آنکه برتری یا تفرقی برای یکی از طرفین نسبت به دیگری وجود داشته باشد؛ از این رو، در این ساختار، واژه «ولی» به معنای نصرت و محبت تعبیر می‌شود و بسته به سیاق آیه می‌تواند به یاری رساندن یا محبت اشاره داشته باشد.

بسیاری از آیات مرتبط با این ساختار، به ولایت تشریحی دلالت دارند که به دستورات الهی مربوط است؛ برای مثال، در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (مائده: ۵۱)، به نهی از پذیرش یهود و نصاری در مقام اولیاء اشاره شده است؛ در حالی که آیه «وَالَّذِينَ آمَنُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (انفال: ۷۲) دستور به یاری و حمایت متقابل میان مؤمنان می‌دهد.

تدبر بیشتر در آیات مربوط به ساختار بعض-بعض در قرآن، گویای آن است که

عباراتی مانند «بعضهم ببعض»، «بعضهم اولى ببعض»، «بعضهم بعضا» و غیره است، به چند دسته تقسیم می‌شوند که هر دسته نمایانگر نوع خاصی از روابط یا تعاملات بین افراد یا گروه‌ها است: (۱) بعضهم ببعض<sup>۱</sup>، (۲) بعضهم اولى ببعض<sup>۲</sup>، (۳) بعضهم بعضاً<sup>۳</sup>، (۴) بعضهم الی بعض<sup>۴</sup>، (۵) بعضهم علی بعض<sup>۵</sup>، (۶) بعضها من بعض<sup>۶</sup>، (۷) بعضهم اولیاء بعض<sup>۷</sup>، (۸) بعضکم فوق بعض<sup>۸</sup>، (۹) بعضکم لبعض<sup>۹</sup>، (۱۰) بعضهم فی بعض<sup>۱۰</sup>.

هریک از این ساختارها، با توجه به استفاده از حروف جر، مانند «باء»، «الی»، «من»، «ل»، «فی» و «علی» یا در نبود حروف جر و ظرف، مانند «بعضهم بعضاً» که مفعول بدون واسطه می‌گیرد و همچنین تعابیر اضافی نظیر «بعضهم اولیاء بعض» و شبه‌اضافه‌هایی همچون «بعضهم اولى ببعض» در قرآن، به معانی و دلالت‌های متفاوتی اشاره دارند؛ برای مثال، ساختار «بعضهم علی بعض» نمایانگر سلطه، تفوق و برتری یک گروه بر گروه دیگر است؛ در حالی که «بعضهم فی بعض» نشان‌دهنده مفهوم حضور و ادغام یک گروه در گروه دیگر است. در ساختار «بعضهم لبعض»، حرف جرّ «ل» دلالت بر ایفای نقش واسطه‌گری گروه اول برای گروه دوم دارد؛ همچنین، در ساختار «بعضهم من بعض»، حرف جرّ «من» به ارتباط منشی اشاره دارد؛ به گونه‌ای که گروه اول بخشی از گروه دوم است و از آن نشئت گرفته است؛ علاوه بر این، در مواردی که هیچ حرف جری به کار نرفته است، نظیر «بعضهم اولى ببعض»، مفهوم اولویت و برتری یک گروه نسبت به گروه دیگر مدنظر است یا در ساختار «بعضهم اولیاء بعض»، برابری و تعامل متقابل در ولایت، میان گروه‌ها به تصریح آمده است؛ بنابراین، نمی‌توان به صرف قرارگیری کلمات «بعض» در کنار یکدیگر، نتیجه گرفت که همواره دلالت بر برابری گروه‌ها دارند. معنای دقیق این ساختارها بسته به نوع اسلوب و نحوه ترکیب نحوی آنها متفاوت است و به قرائن متن و سیاق آیات وابسته است.

مطالعه ساختارهای متنوع «بعض-بعض» در آیات قرآن، به وضوح نشان می‌دهد که این ترکیبات، معنایی واحدی ندارند؛ برای مثال، برخی از مفسران اهل سنت، آیه ولایت (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا) را مشابه ساختار «بعضهم اولیاء بعض»

(۱) بقره: ۲۵۱؛ انعام: ۵۳؛ انعام: ۱۲۸؛ حج: ۴۰؛ عنکبوت: ۲۵؛ محمد: ۴.

(۲) انفال: ۷۵؛ احزاب: ۶.

(۳) بقره: ۱۴۵؛ بقره: ۲۸۳؛ آل عمران: ۶۴؛ انعام: ۶۵؛ انعام: ۱۲۹؛ مؤمنون: ۴۴؛ نور: ۶۳؛ عنکبوت: ۲۵؛ فاطر: ۴۰؛ حجرات: ۱۲.

(۴) بقره: ۷۶؛ نساء: ۲۱؛ انعام: ۱۱۲؛ توبه: ۱۲۷؛ سبأ: ۳۱.

(۵) بقره: ۲۵۳؛ نساء: ۳۲؛ نساء: ۳۴؛ انفال: ۳۷؛ رعد: ۴؛ نحل: ۷۱؛ اسراء: ۲۱؛ اسراء: ۵۵؛ مؤمنون: ۹۱؛ نور: ۵۸؛ صافات: ۲۷؛ صافات: ۵۰؛ ص: ۲۲ و ۲۴؛ طور: ۲۵؛ قلم: ۳۰.

(۶) آل عمران: ۳۴ و ۱۹۵؛ نساء: ۲۵؛ توبه: ۶۷.

(۷) مائده: ۵۱؛ انفال: ۷۲ و ۷۳؛ توبه: ۷۱؛ جاثیه: ۱۹.

(۸) انعام: ۱۶۵؛ نور: ۴۰؛ زخرف: ۳۲.

(۹) بقره: ۳۶؛ اعراف: ۲۴؛ اسراء: ۸۸؛ طه: ۱۲۳؛ فرقان: ۲۰؛ سبأ: ۴۲؛ حجرات: ۲.

(۱۰) کهف: ۹۹.

تفسیر کرده‌اند (ابن عاشور: ۱۳۸/۵)، اما این برداشت با اشکالات متعددی مواجه است؛ نخست، در آیه مذکور، «الله»، «رسول» و «الذین آمنوا» برای مؤمنان عادی «اولیاء» معرفی شده‌اند؛ از این رو، روشن است که «الذین آمنوا» در اینجا، نمی‌تواند به مؤمنان عادی اشاره داشته باشد، بلکه به گروه خاصی از مؤمنان تعلق دارد که در کنار «الله» و «رسول» ذکر شده‌اند. دوم، حتی اگر بخواهیم این آیه را در چارچوب ساختارهای «بعض-بعض» بررسی کنیم، باید پذیرفت که «الذین آمنوا» در این آیه، به گروهی دلالت دارد که نسبت به مؤمنان عادی از نوعی برتری برخوردارند؛ در نتیجه، اگر بخواهیم ساختاری مشابه این آیه را در نظر بگیریم، باید به تعبیری رجوع کنیم که دلالت بر برتری و تفوق دارد؛ نظیر «بعضهم علی بعض» نه ساختار «بعضهم اولیاء بعض» که مفاهیم تعامل متقابل و تساوی را می‌رساند؛ به همین دلیل، تفسیر اهل سنت از آیه ولایت با دو اشکال عمده مواجه است:

- ۱) موضوع این آیه اساساً در چارچوب ساختارهای «بعض-بعض»، نمی‌گنجد.
- ۲) حتی اگر آیه در این چارچوب قرار گیرد، نمی‌توان آن را مشابه «بعضهم اولیاء بعض» دانست؛ بلکه ساختاری متناسب‌تر، نظیر «بعضهم علی بعض» برای بیان برتری، لازم است.

## ۵. نتیجه پژوهش

دست‌آورد این پژوهش در زمینه ساختارشناسی آیات ولایت در قرآن کریم، با تأکید بر آیه ۵۵ سوره مائده، مبتنی بر بررسی ساختارهای مختلف آیات (۱. حصر، ۲. اضافه، ۳. اتخاذ ولی، ۴. تولی، ۵. تولیه، ۶. اولویت، ۷. بعضهم اولیاء بعض)، به این صورت است که (۱) در ساختار حصر، واژه «ولی» به معنای «اولی به تصرف» به کار رفته است و نشان‌دهنده این است که ولایت به‌طور حصر به خداوند و کسانی که او تعیین کرده است، اختصاص دارد. (۲) در ساختار اضافه، «ولی» به معنای «اولی به تصرف» و «متولی امور» آمده است؛ به استثنای مواردی که به قرینه خاصی، «ولی» به معنای محبت یا نصرت تعبیر شده است. (۳) در ساختار اتخاذ ولی، تأکید بر عدم اتخاذ کافران و دشمنان خدا به‌عنوان ولی، به معنای «متولی امور» بوده و نشان‌دهنده منع ولایت آنان بر مؤمنان است. (۴) در ساختار تولی، ولی به معنای «اولی به تصرف» و «متولی امور» است، و تأکید بر عدم تولی کفار و دشمنان خدا بر «متولی امور» مؤمنان دلالت دارد. (۵) در ساختار تولیه، به‌وضوح به معنای «متولی امور» است و نشان می‌دهد که خداوند برخی افراد را متولی بر برخی دیگر قرار می‌دهد. (۶) در ساختار اولویت، «ولی» به معنای «اولی به تصرف» آمده است و نشان‌دهنده اولویت برخی افراد بر دیگران در تصرف و امور خاص است. (۷) در ساختار بعضهم اولیاء بعض، «ولی» به‌طور مشخص، به معنای «نصرت» و «محبت» آمده است و به معنای «متولی امور» یا «اولی به تصرف» نیست. این ساختار به رابطه متقابل و هم‌پیمانی

مؤمنان با یکدیگر در نصرت و محبت اشاره دارد و نشان‌دهنده نوعی پیوند دوستی و یاری میان آنان است؛ بنابراین، اکثر ساختارها به‌جز ساختار «بعضهم اولیاء بعض»، ولی به معنای «اولی به تصرف» بوده و به معنای «نصرت» و «محبت» در موارد خاص و با قرینه‌های مشخص به‌کار رفته است و مبتنی بر بررسی تفصیلی ساختارها و تحلیل آیه ۵۵ سوره مائده، معنای «ولی» در این آیه نیز به معنای «اولی به تصرف» است و نه «نصرت» و «محبت».

## کتابنامه

- قرآن کریم.  
ابراهیمی، ابراهیم و محمد تیموری و اصغر طهماسبی بلداجی (۱۳۹۶). "واکاوی تفسیری آیه ولایت از منظر فریقین"، نشریه پژوهش‌نامه امامیه، (۵)، ۵۷-۸۰. [https://imamiya.urd.ac.ir/article\\_۱۱۳۹۳.htm](https://imamiya.urd.ac.ir/article_۱۱۳۹۳.htm)
- ابن درید الأزدي، أبو بكر محمد بن الحسن (۱۹۸۷). «جمهرة اللغة»، المحقق: رمزي منير بعلبكي. بيروت: دار العلم للملايين. -
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). «التحرير والتنوير». بی جا.  
ابن فارس، احمد (۱۳۲۸). «معجم مقاییس اللغة». قم: دارالفکر
- احمدی آشتیانی، فرهاد (۱۳۹۸). "بازکاوی مفهوم ولایت در سیاق آیه ۵۵ سوره مائده با تأکید بر پیوستگی آیات"، نشریه پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۲(۲)، ۲۳-۲۲۱. doi: ۲۰۲۱,۳۴۵۰,۳۰۸۱.tqh/۱۰,۲۲۰۵۱
- الفراهیدی، ابی عبدالرحمان خلیل ابن احمد (بی تا). «کتاب العین». بی جا.  
بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، «أنوار التنزیل وأسرار التأویل». بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۱). «تسنیم». قم: مرکز نشر اسراء.
- حسن جبل، محمد حسن. (۱۴۳۶ق)، «المعجم الاشتقاقي الموصول لألفاظ القرآن الکریم». قاهره: مكتبة الآداب.  
حسینی، سید کریم. (۱۳۹۳). «ولایت حضرت علی در آیه ولایت»، اندیشه‌های قرآنی، (۱)، ۱۰۵-۱۳۴. <https://www.magiran.com/p۲۲۱۳۵۳۲>
- ذوقی، امیر (۱۳۹۹). "چند معنایی واژه های ولی و مولی در قرآن، علوم قرآن و حدیث"، نشریه مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۶۷، ۲۵۰-۲۲۷. doi: ۲۰۱۰,۱۸۱,۱۷۳۵۸۷۰,۱۳۹۹,۲۶,۶۷,۱۰,۶۷
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). «المفردات فی غریب القرآن». بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.  
رشید رضا، محمد (۱۹۹۰). «تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)». قاهره: الیهیة المصریة العامة للکتاب.  
زمخشری، محمود (۱۴۰۷). «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل». بیروت: دارالکتاب العربی.  
سمین حلبی، أحمد (بی تا). «الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون»، المحقق: الدكتور أحمد محمد الخراط. دمشق: دارالقلم.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۳۱). «تفسیر الشریف المرتضی»، مصحح: مجتبی احمد موسوی. بیروت - لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). «المیزان فی تفسیر القرآن». قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعۀ مدرسین حوزۀ علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). «مجمع البیان فی تفسیر القرآن». تهران: انتشارات ناصر خسرو.  
طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۳). «جامع البیان فی تفسیر القرآن». بیروت: دار المعرفه.  
طوسی، محمد بن حسن (بی تا). «التبیین فی تفسیر القرآن». بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
عظیمی، عسکر (۱۳۹۰). «منازعات ادبی محقق طوسی و فاضل قوشچی در ذیل آیه ولایت فلسفه و کلام»، نشریه کوثر معارف، (۱۹)، ۱۰۲-۷۷. <https://www.magiran.com/p۹۵۹۰۱۵>
- غلامی، اصغر و رضا برنجکار (۱۳۹۱). "تبیین معنای ولی در پرتو آیات ولایت"، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، (۳۰)۸، ۶۸-۵۱. [http://andishe.maaref.ac.ir/article\\_۱۳۶۶-۱.html](http://andishe.maaref.ac.ir/article_۱۳۶۶-۱.html)
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰). «مفاتیح الغیب». بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹). «تفسیر من وحی القرآن». بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.  
کلانتری، ابراهیم و محمدرضا عبدالله پور (۱۳۹۵). "بررسی تطبیقی آیه ولایت در تفاسیر فریقین"، فصلنامه علمی پژوهشی فصلنامه تفسیری، (۲۶)۷، ۷-۳۲. [http://tafsir.maaref.ac.ir/article\\_۳۲-۷.html](http://tafsir.maaref.ac.ir/article_۳۲-۷.html)
- مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا). «تفسیر المراغی». بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم». تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

## References

- Holy Quran.
- Ebrahimi, Ebrahim, Teimouri, Mohammad, Tahmasbi Baldaji, Asghar. (2017). "A Tafsir Analysis of the Verse of Guardianship from the Perspective of Both Sects," *Imamiyya Research Journal*, No. 5, pp. 57-80.
- Ibn Ashur, Muhammad ibn Tahir. (n.d.). *Al-Tahrir wa al-Tanwir*, n.p.
- Ibn Faris, Ahmad. (1419 AH). *Mu'jam Maqayis al-Lugha*, n.p.: Dar al-Fikr.
- Ahmadi Ashtiani, Farhad. (2019). "A Review of the Concept of Guardianship in the Context of Verse 55 of Surah al-Ma'idah with Emphasis on the Continuity of Verses," *Quranic and Hadith Studies Journal*, Vol. 52, No. 2, pp. 203-221.
- Baydawi, Abdullah ibn Omar. (1418 AH). *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Javadi Amoli, Abdullah. (1401 AH). *Tafsir Tasnim*, Qom: Markaz Nashr Esra.
- Hassan Jabal, Muhammad Hassan. (1436 AH). *Al-Mu'jam al-Ishtiqaqi al-Muwassal li Alfaz al-Quran al-Karim*, Cairo: Maktabat al-Adab.
- Hosseini, Seyed Karim. (2014). "The Guardianship of Imam Ali in the Verse of Guardianship," *Quranic Thoughts*, No. 1, pp. 105-124.
- Zouqi, Amir. (2019). "The Multiple Meanings of the Words Wali and Mawla in the Quran," *Quranic and Hadith Sciences, Journal of Historical Studies of Quran and Hadith*, No. 67, pp. 227-250.
- Raghib Isfahani, Hossein ibn Mohammad. (1412 AH). *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*, Damascus-Beirut: Dar al-Ilm al-Dar al-Shamiya.
- Rashid Rida, Muhammad. (1990 AD). *Tafsir al-Quran al-Hakim (Tafsir al-Manar)*, Cairo: al-Hay'ah al-Masriyyah al-'Ammah lil-Kitab.
- Zamakhshari, Mahmoud. (1407 AH). *Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamid al-Tanzil*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Sammin Halabi, Ahmad. *Al-Durr al-Masun fi Ulum al-Kitab al-Maknun*, Ed. Dr. Ahmad Muhammad al-Kharrat, Damascus: Dar al-Qalam.
- Tabataba'i, Seyed Mohammad Hossein. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. (1372 AH). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Tehran: Nasir Khosro Publications.
- Tabari, Abu Ja'far Muhammad ibn Jarir. (1412 AH). *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Tusi, Muhammad ibn Hassan. (n.d.). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Azimi, Askar. (2011). "Literary Disputes between Al-Tusi and Al-Qushchi in the Context of the Verse of Guardianship," *Kosar Ma'aref Journal*, No. 19, pp. 77-102.
- Gholami, Asghar, Berenjkar, Reza. (2012). "Explaining the Meaning of Wali in the Light of the Verses of Guardianship," *New Religious Thought*, Vol. 8, No. 30, pp. 51-68.
- Fakhr al-Din Razi, Abu Abdullah Muhammad ibn Umar. (1420 AH). *Mafatih al-Ghayb*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Fadlallah, Seyed Muhammad Hossein. (1419 AH). *Tafsir Min Wahy al-Quran*, Beirut: Dar al-Malak lil-Tiba'a wal-Nashr.
- Kalantari, Ebrahim, Abdollahpour, Mohammadreza. (2016). "A Comparative Study of the Verse of Guardianship in the Tafsirs of Both Sects," *Interpretative Studies Quarterly*, Vol. 7, No. 26, pp. 7-32.
- Maraghi, Ahmad ibn Mustafa. (n.d.). *Tafsir al-Maraghi*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Mostafavi, Hassan. (1981). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim*, Tehran: Bongah Tarjomeh va Nashr-e Ketab.